

فاجعه ارتجاع

بنیال روی کار آمدن رژیم خمینی و تسلط بی چون و چرای ارتجاع بر میهنمان هر روز شاهد اتفاقات و مسائلی هستیم که نه تنها از نظر عمق و وسعت ویران کنندگی فرهنگی و اجتماعی بی نظیر هستند بلکه متنوع خود بیسابقه بوده و برای اولین بار در قرن اخیر در کشور ما اتفاق می افتد. مسائلی از قبیل استفاده از باورهای مذهبی توده‌های ناآگاه بمنظور رسیدن به اهداف جناح‌تک‌گانه جباران حاکم میهنمان و تحریک نوجوانان از این طریق و فرستادن نوجوانان بر روی میدان‌های مین رابارها و مبارها شنیده و گفته ایم. ستم‌های این رژیم ارتجاعی بر روی زنان ایران و وضع قوانین فوق ارتجاعی در این رابطه تحت پوشش دین و مذهب برگسی پوشیده نیست. نمایشات مسخره نقیای پیوسیده رژیم اندر آداب طهارت و بی‌اعتنایی بودن این و آن و تعیین حدود شرعی شنیدن و دیدن و گفتن و لمس کردن و همچنین اندر مذمت شنیدن صدای زن از رادیو و تلویزیون و صدها مورد دیگر از جمله اقدامات رژیم در تحمیل اعتقادات خرافی و قریبن وسطایی خود به مردم و بخصوص کودکان و نوجوانان می‌باشد. به بازی گرفتن عواطف کودکان و ترغیب آنها به جاسوسی در خانواده تحت عنوان وظایف در صفحه ۲

بیانیه عفو بین الملل در محکومیت رژیم خمینی

در ماه ژانویه ۱۹۹۲، عفو بین الملل مبادرت به انتشار گزارش جدیدی را جبهه جنایات رژیم جمهوری اسلامی و نقض فاحش حقوق بشر در ایران تحت عنوان "زندانیان، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی" کرده است و همراه آن به مناسبت شروع چهل و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد بیان نامه‌ای خطاب به این کمیسیون که رسیدگی به پرونده نقض حقوق بشر در ایران را در دستور کار خود دارد، نیز صادر کرد. بیان نامه عفو بین الملل در واقع خلاصه ایست از گزارش تفصیلی باد شده که صدور آن در آستانه اجلاس کمیسیون که متأسفانه رژیم حاکم در ایران نیز اسال در صفحه ۱۲

اسناد تاریخی

گفتگوی عاطفه گرگین
با شکراله پاک‌نژاد

قسمت آخر در صفحه ۷

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

امروز با کمال تأسف و حیرت خبر رسید که، یسک دیپلمات - تروریست شناخته شده رژیم خمینی بعنوان معاون آسیایی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد پذیرفته شده است. نشانیدن يك نامل تروریسم دولتی در جای قاضی - آنهم قاضی حقوق بشر - حرکت شرم آوری است که سنایی جز لگد مال نمودن مفهوم حقوق بشر ندارد. وجدان‌های بیدار در سراسر عالم به روشنی می‌دانند که دیکتاتوری مذهبی - تروریستی خمینی با هفتاد و چند نوع شکنجه، با حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ اعدام، با قتل عام زندانیان سیاسی، با سرکوب گسترده زنان و اقلیت‌های ملی و مذهبی، با صدور گسترده تروریسم و "بنیادگرایی"، با گروگانگیری و آدم‌ربایی و بافتواری در صفحه ۶

بحران اقتصادی در آمریکا

اقتصاد آمریکا یکی از دوره‌های سخت خود را میگذراند. اخراج کارگران، در ابعاد بسیار زیاده‌تر بزرگترین کارخانجات صنعتی این کشور اقلیم کرده است. کلیه اقدامات ممکن در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور توسط دولت بوش پیش بینی شده‌اند، ولی هیچگونه نتیجه فوری و شمر بخشی عاید نشده است. جورج بوش در سخنرانی کریسمس خود ضمن دادن وعده‌های زیاد، ایجاد کار و رشد اقتصادی کشور را نخستین اولویت خود اعلام کرد. لشکر کشی آمریکا به منطقه و جنگ خلیج فارس که ظاهر آفرین بود اوضاع بسیار اقتصاد آمریکا را که از دو سال پیش به آن دچار بوده، رونقی دهد، از هم اکنون نتایج خود را بارز کرده است.

این جنگ که با مخارج سرسام آور توأم بود برای آمریکا قرب یک شاهی خرج برداشت و کلیه هزینه‌های آن از خزانه کویت و عربستان و چند کشور نفت خیز و همچنین از کمک‌های ایالتی و فدرال که مستقیماً در جنگ شرکت نداشتند تامین گردیده است. وجود بیکه کارخانجات اسلحه سازی آمریکا به مقدار زیادی تولیدات خود را در این جنگ مصرف کردند ولی خاتمه جنگ باعث از کار افتادن رونق این صنایع گردید. در صفحه ۸

بیکاری و قحطی

در صفحه ۶

اوضاع اتحاد شوروی سابق

مجموعه کشورهایی که در گذشته اتحاد شوروی نامیده می‌شدند، بعد از برهم خوردن اتحادشان به تلاش در جهت تشکیل اتحادیه جدیدی پرداختند که از آن (اتحاد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) با سرکوت ۱۱ کشور از ۱۵ کشور سابق سربرآورد. جمهوری‌های کرانه دریای بالیک، لیتوانی، لیتوانی و استونی و جمهوری کوچک گرجستان از این اتحاد دوری جستند و هر کدام به راه خود می‌روند. در شماره‌های گذشته نبرد خلق ما تحت عنوان (اوضاع اتحاد شوروی سابق) بعضی از اخبار ۱۵ جمهوری را به چاپ رساندیم که در این شماره هم به همان ترتیب اقدام به چاپ مهم‌ترین اخبار مربوط به این کشورها در یک ماه گذشته می‌نماییم. نکته‌ای که لازم است در این جابیان شود، رقابت کشورهای عربستان، ترکیه، پاکستان و ایران در پیدا کردن نفوذ در جمهوری‌های پنجگانه آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان که از لحاظ قومی ترک و از نظر مذهب مسلمان هستند می‌باشد که جسی از اخبار مربوطه را در برسی می‌گیرد. رژیم خمینی تلاش فراوانی را مسمروف نفوذ در این جمهوری‌ها می‌گرداند و سعی می‌کند با در صفحه ۵

مصاحبه با رفیق مهدی سامع

در باره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

قسمت آخر در صفحه ۹

در این شماره:

- انفجار در روز شگاه آزادی
- آتش سوزی در چالوس
- خودسوزی در زندان اوین
- انتخاب يك تروریست
- زد و خورد نمایندگان مجلس ارتجاع
- انتخابات مجلس اخوندی
- تروریك نویسنده لبنانی
- مخالفت رژیم در اوضاع الجزایر
- مسافرت جرج حبش به فرانسه
- گزارش سالانه وزارت امور خارجه
- امریکا در مورد نقض حقوق بشر در ایران
- اخبار و رویدادها
- شهادت فدایی اسفندماه
- اخبار مقاومت

۸ مارس روز بین المللی زنان گرامی باد

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

فاجعه ارتجاع

از صفحه ۱

مذهبی از جمله کارهای روزمره مسئولین امور تربیتی در مدارس و دبیرستانها می باشد که تاکنون صحنه های مہیبی را آفریده است. میرصحنه آوردن مادری که حکم اعدام فرزند (کافر) خود را صادر می کند بمنظور در هم پیچیدن کلیه عواطف پاک و انسانی و به سخره گرفتن هر چیزی که خانواده بر روی آن استوار است. نیشنر از موارد کم سابقه در تاریخ بشری است که در حاکمیت این رژیم در کشور ما بوقوع پیوسته است. در اجنرای این نمایشات بدلیل اینکه نیاز حیاتی این رژیم بر نتایج آن استوار است، از اسراف تا قاعده همه شرکت دارند. صحنه های چندش آوری که چندی پیش بر روی صحنه تلویزیون رژیم ظاهر شد، براساسی مانند ندارد و بی اختیار آدم را تکان می دهد، تلویزیون رژیم در هفته های گذشته اقدام به بخش صحنه هایی از مسافرت علی خامنه ای، رهبر بیگانه ای رژیم خمینی به مناطق جنوبی کشورمان کرد و در این صحنه ها خامنه ای را نشان داد که بر روی سکویی نشسته و دست های خود را زیر حوله ای پنهان کرده و تعدادی زن با چادر سیاه از جلوی او رد می شوند و از روی حوله بردست های وی بوسه می زنند. رهبر جنایتکار رژیم خمینی هر چند لحظه یکبار دست سالم خود را از زیر حوله درمی آورد و با آن آب دهن خود را از بالا به داخل دست های زنان می ریخت و با اصطلاح آنان را تهنیت می کرد. این صحنه ها بطور روزمره و تکراری مدام قلب و جان مردم میهنمان را ریش می کند و کسانی که می خواهند تلویزیون نگاه کنند مجبورند مقداری از این نمایشات را نیز قورت دهند. شیوه های مختلفی که رژیم پوسیده خمینی برای تحمیل جوانان بگمار می برد از دستگاه تبلیغاتی آخوندها که قرن ها بهمین منظور پرداخته شده منشا می گیرد و در دراز مدت تأثیرات مخربی را بر جای می گذارد. بیل نمونه از این فحایع راز و زنا نامه رسالت مورخه ۱۸ سیاه منعکس کرده است که در آن عمق فاجعه ارتجاع حاکم بر ایران را به خوبی می شود مشاهده کرد.

به نوشته این روزنامه در میزگردی که بمنظور بررسی علل و انگیزه های خودکشی و قتل با شرکت دستان عمومی تهران تشکیل شده بود، این مؤدوبه موردی اشاره می کند که ما را از هرگونه توضیح در این رابطه بی نیاز کرده است،

" در یکی از دبیرستان های تهران به ناصله ۱۰ روز ۲ دختر دانش آموز بایرت کردن خود از ساختمان مدرسه خودکشی کرده بودند. در تحقیقات مشخص شد که ۲ معلم امور تربیتی صبح ها با سخنرانی های بی دریغ در این مدرسه در مذمت و بوجی دنباله تفصیل سخن می گفتند و حتی بایردن دانش آموزان به بهشت زهرا، آنان را قبر می خوابانند و عکس هم گرفته بودند. این دختران به دلیل فهم نادرست از یک موضوع فلسفی و تأثیر پذیری از یک بد آموزی مذهبی تحت عنوان عشق به خدا و عدم تحمل دوری از او، دست به خودکشی زده بودند و این را در وصیت نامه های خود به تفصیل نوشته بودند. با زرسی که این مدرسه را مورد بازدید قرار داده بود در گزارش خود جو خودکشی در این مدرسه را بسیار بالا توصیف کرد و عنوان داشت: حداقل ۲۰ نفر از دختران این مدرسه قصد خودکشی دارند. البته پس

از این ماجرا بجای اینکه معلمان را جابجا کنند همه دختران دانش آموز را از آن مدرسه پراکنده و هر کدام را به مدارس گوشه و کنار تهران منتقل کردند. همانطور که از سخنان این مقام برمی آید رژیم هرگز قصد جلوگیری از این آموزش های جنایتکارانه را ندارد و بلکه پایه را بر تحمیل مطلق کودکان گذاشته است.

یکی دیگر از ابعاد فاجعه ارتجاع در میهنمان مسئله گسترش اعتیاد، این بلا ی خانمان بر انداز است که بر طبق شواهد غیر قابل انکار، خود رژیم فاسد خمینی عامل و بانی تعمیم آن بوده و از آن برای مقاصد پلید خود استفاده می کند. رژیم خمینی بر طبق اخبار رسانه های خبری معتبر جهان از طریق ارسال و توزیع مواد مخدر به خارج از کشور و در آمدنهای آن از مخارج گروه های زیادی از مزدوران رادر خارج از کشور و از جمله در لبنان را می پردازد. بخوبی روشن است که وقتی توزیع مواد مخدر در ابعاد زیاد و سهولت در یک کشور انجام می گیرد، بطور قطع مقامات بالا و حاکم بر آن کشور در آن دست دارند. در کشور ما اعتیاد پدید می آید و بر خورد و بهر میرداری های رژیم از این مسئله به درجائی متفاوت گوشه هایی از توطئه رژیم خمینی بر علیه نسل جوان ما را نشان می دهد. رژیم در برابر این فاجعه ضمن تبلیغات زیاد تعدادی از این متاعین را جمع کرده و در زندان هایی تحت عنوان اکلان های ترک اعتیاد (تحت نظر گرفته است. در این مکان ها با گرفتن مقدار زیادی پول از متاعین آنهارا نگهداری می کنند تا با اصطلاح اعتیاد خود را ترک کنند. چندی پیش تلویزیون رژیم برنامه ای از این مکان ها تهیه کرده بود که دیدن آن گوش دادن به دردها و رنج های این بیساران و قربانیان رژیم قرون وسطایی خمینی دل هر بیننده ای را به درد می آورد. در این زندان ها زن های معتاد وجود داشتند که مجبور بودند چمهای شکر خواره خود را نیز به همراه داشته باشند. صحبت های معتادین که با فریاد و آه و ناله همراه بود تماماً را س هرم رژیم را هدف قرار داده بود. آنها از توزیع ساده مواد مخدر و قیمت بسیار نا زل آن حتی در همان گائون ها می نالیدند و جملگی می گفتند باید مسئله را ریشه ای حل کرد، باید جلوی کسانی را که در آن بالاها نشسته اند و این مواد را توزیع می کنند گرفت. اگر چه این برنامه از اسانسور رژیم عبور کرده بود ولی چنان زیاد بود که نمی توانستند بیش از این جلوی آنرا بگیرند. سو استفاده رژیم از این تبلیغات ابعاد دیگری نیز دارد. اعدام زندانیان سیاسی مقاوم تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر یکی دیگر از مواردی است که مشهور خاص و عام است و فریاد سازمانهای بین المللی حقوق بشر را در آ آورده است و رژیم به صورت مداوم به این کار ادامه می دهد.

اعدام قاچاقچیان مواد مخدر که خود عواما مل و کارگزاران دست چندم رژیم هستند نیز بمنظور نشان دادن قاطعیت رژیم در برخورد به امر اعتیاد عنوان می شود ولی در اصل بمنظور از میدان بفر کردن رقیب و انحصار توزیع مواد مخدر در دست مقامات بالای رژیم صورت می گیرد. حقیقت آنستکه حل مسئله اعتیاد به هیچوجه مسئله رژیم نبوده و برخورد های غیر انسانی و شرم آور مقامات رژیم با این قشره آنرا بخوبی نشان می دهد. گفته های " داستان رسیدگی به پرونده خودکشی ها " که روزنامه رسالت دی ماه ۷۰ آنرا درج

کرده است به خوبی عمق بی توجهی رژیم را به این امر ثابت می کند، طبق گزارش این روزنامه دادستان مربوطه در رابطه با متاعین می گوید: " ما توضیح می کنیم که متاعین گرچه آن شہامت و غیرت در صفحه ۱۲

گفتگوی عاطفه گرین
با شکراله پاکنژاد

از صفحه ۷

دیگر ۵۰ سال دوام داشته است این نیروها نسبت به سایر نیروهای سیاسی از سنت های مبارزاتی کمتری برخوردارند. نیروهای دمکرات نوپا، بدلیل یائسین بودن سطح اندیشه دمکراتیک در ایران بازحمت زیادی رو بر او هستند.

نیروهای انحصار طلبی بطور طبیعی نمیتوانند آنها را تحمل کنند. دنباله روان خط انحصار طلبی هم شدیداً با آنها مبارزه می کند سازمان های چپ هم که اکثر آژاندهای مبارزاتی دوره اختناق اند هنوز عقب مانده تر از آنند که نیاز تاریخی خود را به این نیروها حس کنند. در نتیجه بجای حمایت، آنها را رقیب خود پنداشته و سعی می کنند کنار بزنند و از میدان بدر کنند. نیروهای دمکرات در کشورهای عقب مانده، طبیعی ترین سیر نیروهای چپ هستند و نیروی خود را اساساً از چپ می گیرند. اما در ایران به علت آشنایی اغلب نیروهای چپ با مبارزه دمکراتیک چنین حمایتی وجود ندارد و این مستقیماً بزبان چپ و بخصوص چپ مستقل تعام میشود.

س: با تحلیلی که قبلاً از وضع نیروهای حاکم گردید و با توجه به وضع نیروهایی که هم اکنون موضع آنها را بیان گردید، فکر نمی کنید که در این آشفته بازار یک نیروی ارتشی بتواند بایک کودتا به غلبان انقلاب پایان دهد؟

ج: نه، به تانسیل انقلابی هنوز در ایران بقدری بالا است که هیچ نیرویی در حال حاضر قادر به کنترل آن نیست. این غلبان انقلابی ممکن است چند سال طول بکشد و در آن میان قتل و انهدالاتی صورت خواهد گرفت که در حال حاضر بیش بینی آن مشکل است. اما هرگونه حرکت ارتش برای کودتا و پایان دادن به غلبان انقلابی، قو را به ضد خود بدل خواهد شد و منشا یک جنگ مسلحانه سراسری خواهد گردید. ارتش هر کجا را که خاموش کند با کوردستان هیچ کاری نمیتواند کرد. کوردستان پایگاه مطمئن انقلاب ایران است، و از آنجا است که حلق و دمکراسی سجده به نیروهای انحصار طلب و جنگ طلب و کودتاچی تحمیل خواهد شد.

س: شمابه آینده امیدوار هستید؟

ج: کاملاً. ما هم اکنون در متن یک انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی هستیم چطور می توانم به آینده امیدوار نباشم. آینده کاملاً روشن است.

س: حتی خطر یک رژیم شبه بعثی را هم نمی بینید؟
ج: گرچه سهمترین احزاب سیاسی ایران عملاً در جهت ایجاد چنین رژیمی تلاش می کنند، ولی مردم ما همچنانکه رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را سرنگون کردند، هیچ رژیم فاشیستی یا شبه بعثی را نیز نخواهند پذیرفت.

اخبار و رویدادها

از صفحه ۱۶

سوی کمیسیون سازمان ملل محکوم شده است، "شگفتی آور و رسوایی برانگیز" ارزیابی نمود به گزارش بی - بی سی رئیس هیئت امریکایی کمیسیون حقوق بشر این انتخاب راه باد انتقاد گرفته.

زدخورد نمایندگان مجلس ارتجاع

نماینده اهواز در مجلس در روز چهارشنبه ۹ بهمن ماه بهنگام بحث پیرامون بودجه و درحالیکه نماینده چاه بهار در مخالفت با نظرات وی مشغول صحبت بود به طرف وی هجوم برد و یک سیلی محکم نثاروی نمود. این عمل مجلس آخوندها را بهم ریخت. نماینده مزبور در سابق نیز یکبار به گوش فرماندار استان خوزستان سیلی زده بود. آخوند کروی رئیس مجلس ارتجاع روز بعد با اعلام اینکه نماینده اهواز را ارسال یک نامه از انجام این عمل عذرخواهی نموده، موضوع را درز گرفت. شدت برخوردها بین جناحها، روزنامه جمهوری اسلامی را وادار به درج مقاله‌ای کرده که حاکی از وحشت کارگزاران رژیم از آینده خود است. در این مقاله آمده است: "عده‌ای تیغ‌های زهرآلود در کف گرفته و در مقابل یکدیگر ملک آراشی و برای همدیگر خشک و نشان می‌کشند" و "بازار برجیب زمین هاداغ است و تحلیل‌های یک طرفه، کوتاه نظرانه و مغرضانه رواج دارد." این روزنامه در ادامه مقاله خود خطاب به سردمداران رژیم هشدار می‌دهد که: "ای بزرگان روحانی با دقت به واقعه‌ای که در حال رخ دادن است، بنگرید و به این سوال پاسخ دهید که آیا ماجرای به جان همدیگر افتادن این دو طایفه ای که هر کدام سنگ یک جناح از شمارا به سینه می‌زند، در واقع ماجرای تیرسبه دستانی نیست که از دوسوی رختی را از ریشه می‌برند که شما شایع و برگه آن درختی؟".

انتخابات مجلس ارتجاع

آخوند محتشمی یکی از سردمداران جناح "خط امام" در مصاحبه‌ای با ماهنامه سفیر که در تهران به چاپ می‌رسد اعلام کرد که شورای نگهبان در صدد کنار گذاشتن اعضای این جناح در انتخابات آینده مجلس می‌باشد. وی این تصمیم شورای نگهبان را خطرناک دانست و گفت در صورت چنین اقدامی رژیم با سنگ بحران شدید سیاسی روبرو خواهد شد. وی همچنین پیش بینی کرد که اگر انتخابات در شرایط عادی برگزار شود جناح "خط امام" به اکثریت مطلق در مجلس خواهد رسید. در آستانه فرارسیدن موعد انتخابات برخوردهای جناح‌های متخاصم رژیم شدت پیدا کرده است. به گزارش رابینوا اسرائیل ۱۴ بهمن: "به نقل از نوشته‌های روزنامه‌های بیروت باز نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، رقابت‌ها میان جناح تندرو علیه طرفداران و فوجانی بالا گرفته و جنبه خشن به خود گرفته است. در این گزارش - ها، ادعا شد در یک مراسم مذهبی که شانزدهم ژانویه (۲۶ دیماه) در مسجدی در تهران جریان داشت، عوامل تندروی طرفدار محتشمی و خلخالی که فریاد می‌زدند،

مرگه برسان شکار، مرگه بر فوجانی، به طرفداران رئیس جمهوری حمله کردند. نیروهای انتظامی برای سر قرار نظم و آراش و خارج ساختن اخلال‌گران از صحن مساجد، ناچار شدند به تیراندازی هوایی و گاز اشک‌آور متوسل شوند که در نتیجه چند نفر زخم‌های سنگین برداشتند. در این گزارش‌ها ارزیابی شده، هرچه بهروز انتخابات نزدیک تر می‌شود، احتمال بروز زدوخوردهای جدید و حتی مسلحانه بین طرفداران دو جناح تقویت می‌شود."

تروویک نویسنده لبنانی

مصطفی قیحا یک نویسنده لبنانی که کتابهایی بر علیه رژیم خمینی و رژیم یوسیده‌اش نوشته بود روز ۱۵ ژانویه در محله سیتی بیروت در حین رانندگی به ضرب گلوله‌های یک ناشناس که به احتمال زیاد وابسته به مزدوران رژیم در این کشور است به قتل رسید. سو. قعد بر علیه نویسندگان و ناشرین و مترجمان خارجی کتابهایی که بر علیه خمینی نوشته می‌شود، یکی از اقداماتی است که رژیم جنایتکار آخوندها در دستور کار مزدوران تروریست خود قرار داده است. در این رابطه تاکنون تعدادی از کتابفروشی‌ها در کشورهای مختلف دنیا به آتش کشیده شده‌اند و همچنین یک مترجم زاپنی به قتل رسیده و یک مترجم ایتالیایی با سلاح سرد مورد حمله قرار گرفته و زخمی شده است.

دخالت رژیم در اوضاع الجزایر

به گزارش خبرگزاری فرانسه در ۱ بهمن، سید احمد نوزالی نخست‌وزیر الجزایر اعلام کرد که اسنادی دال بر دخالت رژیم خمینی در امور داخلی کشورش بدست آمده است. سید احمد نوزالی که بایک روزنامه بلژیکی مصاحبه می‌کرد اعلام داشت که اسناد نشان‌دهنده آن است که رژیم حاکم بر ایران در ادامه اعمال غیرقانونی قبل از برگزاری انتخابات در الجزایر دست داشته است و به "جبهه نجسات اسلامی" کمک مالی کرده است. وی همچنین افزود که الجزایری‌ها دخالت بیگانه را تحمل نخواهند کرد. لازم به تذکر است که مقامات دولتی الجزایر این کمک‌ها را با مبلغ ۳ میلیون دلار برآورد می‌کنند.

کشف مواد مخدر

بنا بر گزارش‌های خبرگزاری رژیم ۲۸ بهمن ۷۰ معاون امنیتی نیروهای انتظامی رژیم خمینی اعلام کرد که مقدار ۲۵۰۰ کیلوگرم مرفین و ۱۳۰۰ کیلوگرم هروئین از مرزهای غربی کشور کشف و ضبط شده است. طبق آمار این مقام رژیم در مجموع در ماه گذشته ۷۷۰۰ کیلوگرم مواد مخدر کشف شده است. ابعاد فاجعه با اعتیاد در میهنمان با آرائی این ارقام خوبی نشان داده می‌شود. در رژیم خمینی آخوندها بدلیل شرکت مقامات دست اول رژیم در قاچاق مواد مخدر میشود بهرستی حس زد که این اقدام کشف شده با تغییراتی دوباره سراز بازار در بریاورد و تعداد زیادی دیگری از جوانان راه و رطبه نیستی و اعتیاد بکشند.

حمله مردم به نمایندگان مجلس ارتجاع

تعدادی از نمایندگان مجلس آخوندی که برای افتتاح مسجدی در منطقه "لامارده" در شیراز به این

محل اعزام شده بودند از طرف مردم این منطقه با سنگ و تخم مرغ کندیه مورد استقبال قرار گرفتند. روزنامه "سلام" از قول فخرالدین حجازی نماینده مزدور مجلس این خبر را نقل کرده است. دلیل این حمله و فخرالدین حجازی چنین اعلام کرد: که از نظر مردم آنها مزاحم تشخیص داده شده بودند.

گزارشی از تهران

روزنامه نیویورک تایمز در گزارش ویژه‌ای که از تهران دریافت کرده است به گوشه‌هایی از نارساها و نارساها های انتشار مختلف مردم اشاره می‌کند. این روزنامه می‌نویسد: "در حالی که بمناسبت سیزدهمین سالگرد انقلاب اسلامی دولت جشن و پایکوبی زیادی بر اه انداخته است، نگرانی و ناراحتی عموم مردم از وضعیت بد اقتصادی کشور رو به افزایش گذارده است. ... بهمن است دهه فجر خیابانهای تهران چراغانی شده‌اند اما بسیاری از ایرانی‌ها می‌گویند در حالی که هنوز در سراسر کشور روزی سه ساعت خاموشی وجود دارد، دولت برق زیادی برای این جشن مصرف می‌کند. دانشجویان و کارگران دست به اعتصاب زده‌اند. به عنوان نمونه، دانشجویان و اساتید دانشکده خواجه نصیر - الدین طوسی در اعتراض به انتخاب رئیس جدید دانشکده دست به اعتصاب زدند و حدود ۳۰۰۰ دانشجوی فنی از رفتن به کلاسهای درس خودداری می‌کنند. ... ماه گذشته نیز کارگران پالایشگاه تهران دست به اعتصاب زدند و دولت ناچار شد به کارگران وعده افزایش حقوق بدهد. به گفته شاهدان عینی، در روز نوزدهم ژانویه در اطراف میدان فردوسی شعارهای ضد دولتی بر روی دیوارها دیده شده است. به گفته کارشناسان سیاسی، نارساها به سبب فقر سیاسی و اقتصادی طبقه متوسط در ایران رو به افزایش پیچیده است."

اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعاتی است که سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.
اعتصاب کارکنان صنعت نفت در تهران و سایر شهرستان‌های ایران
بنابراین اطلاعات رسیده از ایران کارگران و کارکنان پالایشگاههای مختلف کشور منجمله پالایشگاه تهران در اعتراض به گرانی و پایین بودن دستمزدها و فشارهای روزمره پاسداران در محیط پالایشگاه طی ماه ژانویه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب منجر به توقف کامل پالایشگاه تهران گردید. در همین رابطه تعدادی از کارگران صنعت نفت دستگیر شدند. بنا بر این اطلاعات در حال حاضر نزدیک به صد هزار تن از کارگران و کارکنان پالایشگاههای تهران، شیراز، اصفهان، آبادان، تبریز و گرمانشاه که از وضعیت وخامت بار اقتصادی رنج می‌برند در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم و فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی پاندر اعتصاب بسر می‌برند و با دست به کم کاری زده‌اند.

اعزام جوخه‌های تروریستی جمید به خارج ایران چند جوخه تروریستی فرماندهی پاسدار محمد چوپانی

در صفحه ۴

اخبار و رویدادها ...

از صفحه ۲

از قرارگاه حمزه سیاه پاسداران واقع در ارومیه و پاسدار حسین شمس اخیراً وارد استانبول شده‌اند. حسین شمس از فرماندهان عملیات تروریستی علیه پناهندگان ایرانی هوادار مجاهدین در پاکستان فرزوشه ۱۹۸۷ بود. بنا بر این اطلاعات پاسداران سجادیان و عزیز خالسدی که در ترور دکتر کاظم رجوی نماینده مقاومت ایران در ژنو در آوریل ۱۹۹۰ شرکت داشته‌اند اخیراً وارد شهر از میر ترکیه شده‌اند. این دو تروریست با پیروان ناصری دیپلمات - تروریست رژیم خمینی فرزندوار تباط دارند. طی هفته‌های اخیر سه جوخه تروریستی دیگر نیز تحت فرماندهی مغری از فرماندهان پاسداران به ترکیه آمده‌اند. تا آنجا به منظور اجرای طرح‌های تروریستی به قبرس و اروپا اعزام شوند. بر اساس اطلاعات دیگری که از داخل ایران دریافت شده است چندین گروه تروریست رژیم به فرماندهی مغری از فرماندهان نیروی ویژه قدس سیاه پاسداران به ترکیه اعزام شده‌اند که این بار تروریست‌های خارجی را نیز در دستور کار خود دارند. سیزده تن از این تروریست‌ها در دو گروه چهار نفره و یک گروه پنج نفره برای آنچه که "ماموریت ویژه" می‌خوانند به آنکارا آمده‌اند. مغری فرمانده این گروه‌ها از دستیاران عالی‌رتبه محسن رضایی فرمانده کل سیاه پاسداران می‌باشند. اسامی چند تن از این تروریست‌ها عبارتست از محمد حیاتی، رضا برزاندی، اکبر محب‌انام مستعار مسلم) و عبدالله حمیدی (نام مستعار حمزه). تروریست دیگری بنام ریاحی که از عناصر ساواک رژیم است و در طرح ناموفق ترور آقای حسین عابدینی نماینده مجاهدین در استانبول در ۱۱ مارس ۱۹۹۰ شرکت داشت، هم اکنون در دوسلدورف بسر می‌برد و قرار است یکی دیگر از عناصر ساواک بنام حجت حاج علی لوطی روزهای آینده بوی بیرونند.

اعدام مجاهدین

رژیم آخوندقاده‌ها تن از هواداران مجاهدین را که طی ماههای گذشته بجرم نوشتن شعار علیه دیکتاتوری حاکم و به نفع مقاومت، دستگیر شده بودند را در استان خوزستان تیرباران نمود. مجاهدین شهید حمید صالح - پور، ۲۵ ساله - در اهواز، کیومرث نجفی، ۲۴ ساله که در مسجد سلیمان بخاک سپرده شدند در بین اعدام شدگان بودند. جهانبخش صالح پور برادر حمید صالح پور نیز در سال ۱۹۸۸ در شهر مسجد سلیمان در ملا - عام بدار آویخته شده بود. یکی دیگر از هواداران مجاهدین به نام حسن عسکری ۲۶ ساله در حال نوشتن شعار بر علیه رژیم در یکی از خیابانهای کرمانشاه در تاریخ ۱۱ ژانویه ۹۲ بشرف گلوله پاسداران به قتل رسید. پاسداران مزدور بدستور حاکم شروع، جسد این شهید را طغیان بیچ کرده و به عقب ماشین بستند و برای ایجاد رعب و وحشت در شهر گردانند.

تلاشهای رژیم در جهت تغییر برای کشورهای آمریکای لاتین در کمسیون حقوق بشر
همزمان با بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری
و ششمین اجلاس کمسیون حقوق بشر ملل متحد، رژیم

آخوندی در وحشت از تمویب يك قطعنامه محکومیت شدید الحن، سخت به تکاپو افتاده تا بهر نحو ممکن از ارائه چنین قطعنامه‌ای برای تمویب در کمسیون، جلوگیری کند. در این رابطه پاکستان که همواره یکی از اصلی ترین شرکای رژیم در جامع بین المللی بود، قصد دارد با ارائه يك قطعنامه که خواهان پایان نظارت بروشیت حقوق بشر در ایران است، مانع تمویب قطعنامه محکومیت آخوندقاده‌ها شود. در این رابطه بنا به گزارش‌های رسیده از درون رژیم، منوچهر مشکس، معاون امور بین الملل وزارت خارجه، و یکی از دیپلمات - تروریست‌های شناخته شده رژیم خمینی که قبلاً به علت فعالیت‌های گسترده تروریستی و منجمله آدم ربايي و سو - قصد به فعالین مقاومت از ترکیه اخراج شده بود، طی سفری به کشورهای آمریکای لاتین آنها را صریحاً تهدید کرده است که در صورت عدم حمایت آنها از قطعنامه مورد نظر پاکستان، رژیم خمینی روابط اقتصادی خود را با آنان قطع خواهد کرد. گفته می‌شود علیرغم این باج خواهی، کشورهای مزبور با توجه به کارنامه ننگین این رژیم در کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی، حاضر به پذیرفتن خواسته او نشده‌اند. به فرار اطلاع پیروان ناصری تروریست که به تازگی به سمت یکی از معاونان کمسیون حقوق بشر انتخاب شده است، با ارسال تلکس‌های محرمانه برای نمایندگی‌های رژیم در کشورهای آمریکای لاتین از آنها خواست تا از وزارت خارجه کشور متبوع خود بخواهند تا برای جلوگیری از قطع رابطه اقتصادی با آنان، بجای رای دادن به قطعنامه محکومیت رژیم، به قطعنامه پیشنهادی پاکستان رای بدهند.

ملاقات سیدالمحدثین با مقامات اردن

تلفن خبری انجمن دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران در برنامه خبری مورخ سه شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۷۰ خود اعلام داشت "آقای محمد سیدالمحدثین مسئول روابط بین المللی سازمان مجاهدین خلق ایران با شماری از مقامات بلندپایه‌ی دولت اردن منجمله وزیر امور خارجه، وزیر تبلیغات، وزیر خارجه پیشین و معاون رئیس مجلس نمایندگان اردن دیدار و گفتگو نمود."

آقای سیدالمحدثین در جریان این ملاقات‌ها در مورد اوضاع جاری منطقه، وضعیت متزلزل رژیم خمینی و همچنین توانمندی نظامی ارتش آزادیبخش ملی بنا مقامات اردن به بحث و تبادل نظر پرداخت. آقای اسود جابری وزیر خارجه اردن در این ملاقات‌ها با تاکید برونجه مشترك مشکلات کشورهای منطقه گفتگوهای فی مابین را بسیار مفید و کمک کننده در راستای بررسی ایسین مشکلات خواند. آقای محمود شریف وزیر تبلیغات اردن و آقای عبدالکریم الدقیمی نیز ضمن تاکید بر سرنگونی حتمی رژیم خمینی از توانمندی و اقتدار ارتش آزادیبخش ستایش به عمل آوردند. وزیر خارجه پیشین اردن و عضو کمسیون خارجی مجلس سنای اردن آقای مروان القاسم نیز در این دیدار برای مقاومت عادلانه مردم ایران آرزوی موفقیت نمود.

اخبار خارجی

ترور شیخ عباس موسوی

شیخ عباس موسوی رهبر "حزب الله" لبنان در بدم

از ظهر روز ۲۷ بهمن در حالیکه بایک اتومبیل در نزدیکی منطقه شرقیه در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی صور، رفت و آمد می‌کرد، هدف حمله هلیکوپترهای جنگی اسرائیل قرار گرفت و به همراه ده تن دیگر از همراهانش کشته شد.

ورود جرج حبش به فرانسه

جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین در روز چهارشنبه ۹ بهمن با هوایسما وارد فرانسه گردید. در یکی از بیامبارستانهای فرانسه با حفاظت شدید امنیتی پلیس بستری شد. ورود جرج حبش به فرانسه که به منظور معالجه بدنال سکنه منقری وی عنوان شده بود موجی از اعتراضات را در میان اپوزیسیون فرانسه برانگیخت. دامنه این اعتراضات به صفوف حزب سوسیالیست حاکم نیز کشیده شد و بحرانی مهم را برای دولت فرانسه به دنبال آورد. بحث‌ها و خبرهای مربوط به ورود جرج حبش به فرانسه بمدت چند روز تیترو خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی غرب را تشکیل می‌داد. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه با اعلام اینکه بهیچوجه در جریان این امر قرار نداشته، سه نفر از مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه و صلیب سرخ این کشور را از کار برکنار کرد. بنا خروج جرج حبش از فرانسه در شنبه ۱۲ بهمن و ورود وی به تونس که در آنجا توسط یاسر عرفات مورد استقبال قرار گرفت اوضاع سیاسی فرانسه روبه آرامی رفت.

اوضاع اتحاد شوروی سابق

از صفحه ۵

که "در جنوب روسیه، رهبر جمهوری چین از جمهوری، های فدراسیون روسیه) که مدتی پیش اعلام استقلال کرد، دستور داده است، برای جلوگیری از حملات بیشتر به واحدهای نظامی، مقررات ممنوعیت رفت و آمد شبانه در پایتخت منطقه شهر گروزی به اجرا درآید." - رئیس جمهور آذربایجان با صدور فرمانی ناموسی هواپیمای مسافربری باری و کشتی‌های تجاری شوروی سابق، مستقر در این کشور را معامره کرده و دستور داد برچم آذربایجان بر برفه آنها نقش بندی شود.

- نور سلطان نظریایف رئیس جمهور قزاقستان طرحی راه اجلاس سران جامعه کشورهای مستقل مشترك المنافع که در میانسك پایتخت روسیه سفید تشکیل گردید ارائه داد. بموجب این طرح ۱۱ ارتش جداگانه در يك اتحاد دفاعی داوطلبانه به هم پیوستند که مورد قبول واقع نشد. ۸ جمهوری از جمله روسیه توافق کردند که فرماندهی واحدی برای دوره انتقالی دو ساله حفظ کنند. ملداوی، اوکراین و آذربایجان در این توافق شرکت نکردند.

- به گزارش رادیو اسرائیل ۲۴ بهمن: "در رقابت دوستانه‌ای که بین تیم های فوتبال اسرائیل و شوروی پیشین برگزار شد، تیم فوتبال شوروی پیشین قسبل از شروع مسابقه درخواست کرد که برچم سرخ داس و چکش بر فراز استادیوم نصب و همچنین سرود انترناسیونال که به آن اعتقاد دارند نواخته شود، که با ایسین درخواست فوتبالیست های تیم ملی شوروی سابق موافقت گردید."

اوضاع اتحاد شوروی سابق

از صفحه ۱

بستن قراردادهای اقتصادی و فرهنگی و تماس هر چه بیشتر سروری مسلمانان این کشورها تأثیر نگذارد و سه مطامع بلیبد خود جامعه عمل ببوشاند. در مقابل کشورهای ترکیه و پاکستان و عربستان سعودی نیز به منافع خود در این رابطه فکرمی کنند. و تشاد ایجاد شده، روی روابط این کشورها تأثیر بسزایی گذاشته است. از طرفی مشکلات و بین بست های همه جانبه اقتصادی، اختلافات قومی و تنبیر و تحولات خونین در این کشورها و از همه مهمتر کمبود ارزاق عمومی و برهم خوردن تعادل اقتصادی و دادوستدهای پایابای جمهوری های شوروی که مدتها به روسیه متکی بودند، وضع داخلی این کشورها را سخت بحرانی نموده است. مسئله اختلافات روسیه و اوکراین یعنی دو کشور اصلی بنیانگذار اتحاد کشورهای مستقل مشترک المنافع) بر سر سلاخهای هسته ای و فرماندهی ارتش و ناوگان دریایی سیاه نیز همچنان برقرار است. عملکرد جمهوری روسیه به رهبری یلتسین در رابطه با جمهوری های دیگر و تنوع رهبری یلتسین در خود جمهوری روسیه اختلافات زیادی را در این زده است. بسیاری از مقامات روسیه رهبری و تصمیم گیری های یلتسین را منافی دموکراسی دانسته و آنرا انضام پذیرند و او را متهم به برقراری دیکتاتوری جدیدی می کنند.

کراوچک رئیس جمهور اوکراین در ارتباط با ارتش واحد که روسیه پشتیبان آن است ضمن مخالفت با آن اعلام کرد که در جامعه مشترک المنافع ۱۱ کشور مستقل، کنترل یکپارچه بر ارتش شوروی پیشین امکان پذیر نیست و نظریه ارتش واحد، تنها می تواند در یک کشور واحد استوار باشد، نه در ۱۱ کشور متفاوت و بی انافه که مسئله ارتش باید بر اساس قانونهای سیاسی و اقتصادی و نظامی حل شود. در این حال در جمهوری روسیه اعتراض به سیاست های اقتصادی روسیه همچنان ادامه دارد. در مسکو، سن پترزبورگ و چند شهر دیگر این کشور تظاهرات مخالفان سیاست های اقتصادی یلتسین برپا شد.

در آذربایجان طبق دستور رئیس جمهور قیمت نان ۲۰ درصد کاهش یافت.

به گزارش بی بی سی، کارخانه معروف نوشابه سازی کوکاکولا در ممد است که یک کارخانه بسزرگ در مرکز مسکو دایر گرداند.

روسکوی معاون یلتسین اوضاع حاکم برای کشور را ناامیدانه توصیف کرد و گفت دموکراسی در این کشور حاکم نیست به گزارش رادیو مسکو، روسکوی حکومت کنونی را نوعی دیکتاتوری خواند.

رادیو آمریکا گزارش داد: "آزمایش یک موشک که ماه گذشته در قزاقستان صورت گرفت بروز اختلاف تازه ای را بر سر کنترل زرادخانه هسته ای اتحاد شوروی پیشین موجب شده است. مقامات قزاقستان می گویند آنها از این آزمایش که روز ۲۰ مارس انجام گرفت بی اطلاع هستند. یک مقام ارتش فرماندهی نظامی مرکزی یرتاب موشک عظیم اس اس ۱۹ را تأیید کرد."

به گزارش رادیو فرانسه ۲ بهمن "نمایندگان پارلمان روسیه کمیسیون های پارلمانی مربوط به امور خارجه را موظف ساختند که در مورد مشروعه ای

تصمیماتی که در سال ۱۹۵۲ اتخاذ شده بود و منطبقه کریمه را از فدراسیون روسیه جدا کرده و آن را به جمهوری اوکراین ضمیمه کرده بود و در مورد مطابقت این تصمیمات با قانون اساسی روسیه به بررسی بپردازد و نتیجه آن را تا روز ۶ فوریه تسلیم پارلمان نماید."

نخست وزیر جمهوری استونی بمنیال انتخاباتی که از نحوه مقابله دولت اش با بحران اقتصادی جریان دارد استعفا کرد.

ایاد مطلب رئیس جمهور آذربایجان بمنظور ایجاد روابط نزدیکتر بین جمهوری آذربایجان و ترکیه و همچنین انعقاد همکاری و سودت و بدست آوردن کمک های اقتصادی و فنی به ترکیه سفر کرد و این پیمان را امضا کرد.

در واکنش به اقدام پارلمان روسیه در رابطه با شبه جزیره کریمه، وزیر امور خارجه اوکراین به خبرگزاری تاس گفت: مردم کریمه در یک همه پرسی در ماه گذشته اعلام کردند که می خواهند به اوکراین ملحق شوند و ادعای ارضی هر کشوری علیه اوکراین منافی قانونی ندارد.

بوریس یلتسین در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ای سی سی آمریکا اعلام کرد که دکترین نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق تغییر کرده است و دیگر اسلالت متحده دشمن بالقوه بشمار نمی رود و از این پس موشک های هسته ای دوربرد شوروی سوی شهرهای اروپا شصده نشانه گیری نخواهند شد.

به گزارش خبرگزاری تاس در درگیری های بین آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره باغ ۷ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند. درگیری به ماه حملات واحدهای مسلح آذربایجان به دهکده ای در منطقه خوتیا در جنوب پایتخت قره باغ رخ داد. نیروهای آفری نر این حمله با استفاده از توپخانه و تجهیزات دیگر صدمات زیادی به این دهکده وارد آوردند. به گفته منابع آذری ۲ سرباز کشته و ۴۰ آذربایجانی نیز مجروح شده اند.

به گزارش رادیو اسرائیل ۷ بهمن ماه به نقل از منابع اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا: "ایران قصد دارد جمهوری های مسلمان نشین شوروی پیشین را به خاک خود ضمیمه سازد. از این رو برای تقویت توان نظامی خود عملیات گسترده ای را به اجرا گذاشته است. منابع دولتی آمریکا افزودند: شورای عالی امنیت حکومت اسلامی ماه گذشته در نشست خود تصمیم گرفت ابتدا خاک آذربایجان را به ایران منضم سازد، و به همین خاطر در حدود ۱۲۰ میلیون دلار برای تبلیغ در این جمهوری سرمایه گذاری کرده است."

ساعاتی بعد از سخنرانی جرج بوش مبنی بر کاهش سلاحهای استراتژیک آمریکا، بوریس یلتسین اقدامات گسترده ای را جهت کاهش سلاحهای هسته ای و تاکتیکی اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری ها، یلتسین نماینده خود را مبنی بر برقراری یک نظام جهانی دفاعی بجای نظام استراتژیکی آمریکا، بیان کرد و خواستار نابودی کلیه سلاحهای هسته ای و سلاحهای کشتار دسته جمعی در سراسر جهان گردید. یلتسین همچنین گفت تصمیم دارد قبل از تصویب هر پیمانی زرادخانه هسته ای خود را شدیداً کاهش دهد.

به گزارش رادیو فرانسه ۱۲ بهمن: "لئونید کراوچک، رئیس جمهور اوکراین از اینکه بوریس

یلتسین طی سفر خود به آمریکا، تصمیماتی بدون مشاورت با دیگر مسئولین جامعه دول مستقل شوروی سابق فرموده خلع سلاح اتخاذ کرده است، اظهار تاسف کرد."

روزنامه پراودا در مقاله ای ضمن اشاره به سفر یلتسین به آمریکا که دستاورد چندانی را برای اقتصاد روسیه نداشت نوشت: "واشنگتن و مسکو دیگر در یک سطح برابر با یکدیگر رابطه ندارند." این روزنامه می نویسد: "آنها با مشکلات زودگذر روبرو هستند اما ما برای بقای خودمان مبارزه می کنیم."

بر اساس نتایج یک نظرسنجی که در یک روزنامه چاپ مسکو منتشر شده، ۷۱ درصد از افسرانی که مورد پرسش قرار گرفته اند، می خواهند اتحاد شوروی در چارچوب مرزهای گذشته خود احیا شود، ۵۷ درصد همچنین گفتند به اعتقاد آنها امکان دارد نبرد مسلحانه ای بین روسیه و اعضای جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل که جایگزین اتحاد شوروی شده است، درگیرد. "۰ رادیو آمریکا ۱۶ بهمن."

به گزارش رادیو فرانسه ۱۷ بهمن - "وزیر امور خارجه چین، جمهوری کوچک وابسته به فدراسیون روسیه واقع در قفقاز امروز اعلام کرد که کشورش خواستار استقرار رژیم اسلامی با رهبری لایک و سیا غیر مذهبی از نوع رژیم حاکم بر ترکیه است. وی افزود این نظریه مورد حمایت رئیس جمهوری چین و پارلمان این کشور است."

بمنیال اجتماع ماه گذشته هزاران نفر از افسران کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع که خواستار حفظ ارتش بایک فرماندهی واحد شدند، اجتماع دیگری نام "کمیسیون هماهنگی نظامیان برای دموکراسی" در روسیه به ریاست یک نظامی بنام اسپیتی نوف بمنظور مقابله با "کنگره افسران" تشکیل گردید. اسپیتی نوف در یک برنامه تلویزیونی در مسکو، "کنگره افسران" را نهادی غیر قانونی توصیف کرد و گفت این کنگره قصد دارد قدرت را در دست بگیرد.

اوکراین در یک اقدام بنموان اولین کشور عضو جامعه مشترک المنافع، واحد پول جدیدی را بنام کروپونا جایگزین روبل شوروی سابق کرد.

بوریس یلتسین در سفر سه روزه اش به فرانسه با انعقاد یک پیمان دولتی میان پاریس و مسکو و همچنین گرفتن چهار میلیارد فرانک اعتبار برای روسیه از این کشور، موقعیت خود را بعنوان رئیس یک دولت قدرتمند تحکیم کند.

لئونید کراوچک رئیس جمهور اوکراین در روز ۱۸ بهمن امسال قطننامه پارلمان فدراسیون روسیه را که خواهان فرماندهی واحد ناوگان دریایی سیاه شده بود، غیر قانونی خواند. وی گفت پارلمان روسیه حق ندارد در مورد همه کشورهای عضو جامعه تصمیم گیری کند.

مقامات کشورهای مستقل مشترک المنافع در اجلاس خود در مسکو موافقت کردند که روسیه اکثر بدهی های خارجی جمهوری های پیشین اتحاد شوروی را پرداخت نماید. در این میان اوکراین ضمن مخالفت با این امر اعلام کرد، مایل است سهم بدهی های خود را پرداخت نماید.

رادیو آمریکا در گزارشی در ۲۱ بهمن اعلام کرد

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت در مورد گزارش سوم ریپبلدولگا الیتودویل درباره نقض حقوق بشر در ایران

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در تاریخ ۲۹ بهمن ۷۰ مریبی انتشار گزارش سوم گالیندوییل درباره نقض حقوق بشر در ایران با صدور اطلاعیه ای خواستار محکومیت قاطعانه دیکتاتوری تروریستی و مذهبی خمینی در کمیسیون حقوق بشر وندادوم نظارت بر موارد نقض حقوق بشر در ایران شد. در این اطلاعیه آمده است:

" آقای گالیندوییل به عنوان گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد از جمله استعمارگران شکنجههای وحشیانه نرزدان های رژیم خمینیسی و افزایش اعدام ها در سال ۱۹۹۱ و اعدام زندانیان سیاسی تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر و استعمار مجازاتهای وحشیانه از قبیل سنگسار و قطع اعضای بدن را که توسط مقاومت ایران افشاشده بود را تأیید نموده و تصریح کرده است که رژیم خمینی هیچیک از تعهدات قبلی خود درباره مراعات حقوق بشر را محترم شمرده است. در این گزارش حکم محکومیت رژیم خمینی در دادگاه ژنودر باره ترور پروفیسور رجوی را با اشاره به قطعنامه کمیسیون فرعی بیامون محکومیت ترور پروفیسور رجوی توسط تروریست های رژیم خمینی را قیسه نموده است، که گویای استمرار جنایات و ترورهای ملایان در خارج از مرزهای ایران است. گزارشگر ویژه همچنین تأکید کرده است که تحت نظر داشتن و تبعیت حقوق بشر و آزادی های بنیادین در ایران تحت ستم ملایان باید ادامه یابد و بایستی از رژیم مجدداً و فوراً خواسته شود که بدون استثنا خود را با معیارهای بین المللی و انسانی تطبیق دهد. به این همه هر کسی که اهلنهاد سرکوب و شکنجه و اعدام ملایان و سلب آزادی های اجتماعی و مدنی از تمام مردم ایران مطلع باشد به روشنی میداند که گزارش از این لحاظ بسیار نارضا و ناکافی است و تنها بخش کوچکی از موارد نقض حقوق بشر در ایران را منعکس کرده است. هر چند که همین مقدار نیز عمیانت ملایان و آخوندها را بهر انگیزه است بطوری که روز گذشته - آنچنان که خبرگزاری رژیم خمینی منعکس نمود - یکی از مقامات رژیم گزارش را مقرضانه و تحت نفوذ و تاثیر دولت های غربی عضو کمیسیون حقوق بشر توصیف نمود. اما واقعیت این است که گزارش نسبت به واقعیات سخت و پیر شکنجه و خون موجود در ایران بسیار ملایم تنظیم شده و گزارشگر حتی یکی از گورهای دستچشمی اعدام شدگان را نیز مورد بازدید قرار نداده است و راجع به قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ نیز توضیح نمی دهد. بعکس بندهایی هم در این گزارش به انعکاس اکاذیب و مجعولات و شکایات مضحک دژخیمان رژیم علیه مجاهدین و مقاومت ایران اختصاف یافته است که طبعاً موجب جری ترشدن هر چه بیشتر شکنجه گران است.

در مجموع ما این گزارش را مثبت اما بسیار ناکافی و نارضا تلقی می کنیم. در همین رابطه امروز آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران خواستار محکومیت قاطع دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و استمرار نظارت بر حقوق بشر با حضور نمایندگان

در صفحه ۱۲

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت از صفحه ۱

قتل نویسندگان و اقدام به قتل ناشران و مترجمان، نخستین نقض کننده حقوق بشر و منفورترین دیکتاتوری دنیای معاصر است و به همین مناسبت تاکنون ده سال و ده بار در همین کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و پنج سال و پنج بار در مجمع عمومی ملل متحد محکوم گردیده است. بنابراین قرار گرفتن عامل این رژیم در موضع یک معاون کمیسیون تشویق آشکار این رژیم ضد بشری و جایزه دادن به هولناک ترین جنایات های آن علیه مردم ایران و جهان محسوب می شود. بخصوص که دیپلمات - تروریست مزبور از همانکند کنندگان شناخته شده تروریسم رژیم خمینی در اروپا و از دست اندرکاران مستقیم ترور پروفیسور کاتم رجوی - شهید فراموشی ناپذیر حقوق بشر - درویشی است.

از این رو قالب کردن این عامل تروریسم دولتی بعنوان معاون کمیسیون جز تخمخ و ریشخند مردم ایران و همه وجدان های آگاه و طرفداران حقوق بشر در سراسر جهان را بزمنی انگیزد. علاوه بر هیچیک از ارکان های مسئول رسیدگی به حقوق بشر در ملل متحد نیز گزینش یک تروریست بعنوان مدافع حقوق بشر سابقه ندارد و مفهوم حقوق بشر هرگز تا به این حد مخدوش و لوث و خوار نشده است.

مقاومت عادلانه مردم ایران برای مسلح و آزادی این گزینش شرم آور را که برخلاف روح کلیه قطعنامه های همین کمیسیون و قطعنامه های مجمع عمومی و قطعنامه های دیگر ارکان ملل متحد درباره نقض حقوق بشر در ایران یعنی قویاً محکوم می کند و از کلیه اعضای کمیسیون انتظار دارد، و همچنین برای اعاده حیثیت کمیسیون و بازگرداندن مشروعیت و اعتبار مخدوش شده آن که طبعاً تمییمات بعدی اش را نیز زیر سوال می برد، فوراً دیپلمات - تروریست دیکتاتوری آخوندی و قرون وسطایی حاکم بر ایران را بر کنار نماید.

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
مسعود رجوی
۲۷ ژانویه ۱۹۹۲ (۷ بهمن ۱۳۷۰)

رونوشت:
دبیرکل ملل متحد - رئیس کمیسیون حقوق بشر - دبیر کل عقوب بین الملل - رئیس کمیته بین المللی صلح سرخ

برخی از رویدادهای تاریخی

- از صفحه ۱۶
- ۵۸/۱۲/۲۴ - سرگزازی انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی
- ۱۲/۲/۱۳۵۸ - اعلام خبر شهادت چهار ستاره خلق ترکمن توماج، مخموم، واحدی و چرچانی
- ۱۳۶۱/۱۲/۲۴ - کشتار تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در زندان رشت بنیبال ایجاد آتش سوزی در این زندان توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۱۳۶۲/۱۲/۸ - درگذشت غلامحسین بنان، خواننده بزرگ و استاد موسیقی ایرانی
- روزهای تاریخی
- ۸ مارس - روز همبستگی بین المللی زنان
- خارجی از ۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس
- ۲۶ فوریه ۱۳۸۸ - انتشار مانیفست حزب کمونیست که بوسیله مارکس و انگلس نوشته شده است.
- ۵ مارس ۱۳۷۱ - اختراع اولین چاپخانه در جهان بوسیله

بیکاری و قحطی

از صفحه ۱

سالنامه اقتصادی لوموند چاپ فرانسه در شماره دی ماه ۷۰ خود مطلبی را در رابطه با اوضاع اقتصادی ایران به چاپ رسانده است که بخوبی نشاندهنده شکست رژیم در جلب سرمایه گذاری های خارجی که در مورد آن بسیار تبلیغ گردیده بود، است. ما در این شماره نیز در خلق قسمت هایی از آنرا بمنظور روشن شدن اذهان خوانندگان عیناً ترجمه و در زیر می آوریم:

" ایران پس از ترمیم تصویر بین المللی خود، فرهنگام جنگ خلیج، تبلیغاتی فریبنده برای سرمایه گذاران خارجی بمنظور شهمه و وجه مالی برای بازسازی به راه انداخت. این کار که در ابتدا به خوبی شروع شده بود با این وجود خیلی زود بابتی اقتصادی بانکدارها، نگران از بالا رفتن کشمکش های اجتماعی و بخصوص شدت یافتن جدالهای سیاسی قبل از انتخابات مجلس در ۱۹۹۲ مواجه شدند. یعنی ایران توانست فرآدمهای نفتی خود را به کمک ترقی قیمت پول میزان تولید، از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۲۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۱ برساند. این پول رشدی را از ۲/۲ درصد به ۵/۳ درصد در ۱۹۹۱ رساند. اگر به واردات غیر قابل حذف (مواد اصلی، بویژه زراعتی، دارو، سلاح، قهوه) که بین ۶ تا ۹ میلیارد دلار برآورده شده، واردات برای جرخش یک صنعت وابسته به قطعات وارداتی (۸ میلیارد لاری) از اضافه کنیم، تقریباً هیچ چیز برای سرمایه گذاری باقی نمی ماند. سیستم هاضور از بقایای جنگ ایران و عراق رنج می برد، و علیرغم رشد مجسده، بیکاری و قحطی باز هم دست به گریبان مردم است. طبق گفته وزارت برنامه، نزدیک به نیمی از مردم (۸۰ درصد) فعال در نیمه سال ۱۹۹۱ بیکار بوده اند، جدا از وام بانک جهانی به منظور بازسازی روستاهای تخریب شده توسط زمین لرزه در ماه ژوئن ۱۹۹۰، ایران موفق نشد اعتبارهای بین المللی بدست آورد مگر برای کوتشاه مدت. چند قرارداد منعقد شده از دو سال پیش با شرکت های خارجی به لغو آنها به علت فقدان وجه منجر شد."

گوتنبرگ آلمانی

- ۵ مارس ۱۳۷۱ - تولد روز الوکزامبورگ
- ۱۸ مارس ۱۳۷۱ - تشکیل کمون پاریس
- ۱۴ مارس ۱۳۸۲ - درگذشت کارل مارکس، برجسته ترین اندیشمند تاریخ معاصر و رهبر بزرگ پرولتاریای جهان
- ۴ مارس ۱۹۱۹ - تشکیل گنگره موسی انترناسیونال سوم
- ۱۴ فوریه ۱۹۳۴ - شهادت اگستینوس زارساندینو، از رهبران جنبش انقلابی نیکاراگوئه توسط گارد ملی دولت ارتجاعی حاکم در نیکاراگوئه
- ۴ مارس ۱۹۵۲ - درگذشت ژوزف استالین
- ۱۴ مارس ۱۹۵۴ - آغاز تیریدین بین قوتوسط انقلابیون و بتنام علیه نیروهای تجاوزگر فرانسوی
- ۲۲ فوریه ۱۹۶۵ - ترور مالکوم ایکس از رهبران جنبش سیاهان آمریکا
- ۲۷ فوریه ۱۹۷۷ - تاسیس جمهوری دموکراتیک عربی صحرائی باختری توسط جبهه آزادیبخش پولیساریو
- اول مارس ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بابی ساندرز زندانهای انگلیس که منجر به شهادت او گردید.

گفتگوی عاطفه گرگین با شکراله پاکنژاد

آخرین قسمت

تحولات بین المللی کنونی، سبب آن شده که بسیاری از نیروها و افرادی که در گذشته تحت عنوان های مختلف با مبارزه برای دموکراسی مخالفت و حتی در مواردی ستیز می کردند، اکنون فرصت طلبانه خود را با "پاد جهانی" همسو می کنند. این افراد هرگز بخود جرات نمی دهند که بگویند در گذشته چه کسانی مبارز راه دموکراسی بوده اند و چه تبعات هایی را بر این راه تحمل کرده اند. رفیق شهید شکرالله پاکنژاد، یکی از آن انقلابیون بود، که خطوط سیاسی و استراتژیک خود را "نمراس" "پاد جهانی" و "قطب های" موجود، بلکه بر اساس واقعیات جامعه ماتعیین می کرد.

گفتگوی وی با عاطفه گرگین سردبیر مجله فملسی در گل سرخ، که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰ صورت گرفته و در جزوه های مستقل و بصورت بسیار وسیع در همان زمان در ایران پخش گردید و در اختیار همگان قرار گرفت، یک سند تاریخی در مورد مسائل جامعه ماست که ما به مناسبت سالگرد شهادت این انقلابی بزرگ در چند شماره نبرد خلق، چاپ می سائیم. لازم به یادآوری است که این سند مهم در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ نیز بصورت وسیع در خارج کشور پخش گردیده است.

س - این خط مشی، با خط مشی "انترناسیونالیسم پرولتری" مغایر نیست؟

ج - لنین بارها تکرار کرده است که "انترناسیونالیستی ترین" وظیفه هر انقلابی کوشش در راه پیشبرد انقلاب در کشور خویش است.

بنامه گفته لنین، معیار عمل برای کمونیست های ایران در مرحله اول منافع طبقه کارگر ایران است. نه مثلا منافع انقلاب جهانی و یا طبقه کارگر جهانی. "میثت" انقلاب جهانی و "انقلاب در یک کشور" از قدیم ترین مباحث مارکسیسم انقلابی است. به هر حال وقتی معیار ما برای مبارزه سیاسی وایدئولوژیکی، انقلاب ایران و طبقه کارگر ایران قرار گرفت، در آن صورت با توقف و شکست انقلاب به دست خرده بورژوازی همانقدر مبارزه خواهیم کرد که با توقف و شکست آن به وسیله بورژوازی و البته بدیهی است که هر نوع فعل و انفعالی در این زمینه، در متن جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ایران صورت خواهد گرفت. آن ها که رابطه طبقه کارگر ایران را با خرده بورژوازی، یک جانبه و به نفع خرده بورژوازی می خواهند و عملاً "شمار" شده به زیر عمای "راسمی" دهند، از مارك مقوله انقلاب عاجزند. اگر کمونیست هستند، کمونیسم آنها بیشتر بوروکراتیک است تا انقلابی، آنها از مارك نیسروی درونی و لایزال انقلاب عاجزند. آن ها به جای کمک به ادامه انقلاب و پیشرفت انقلاب، به علت بسی اعتمادی به انقلاب، پشت سپر "ترس از انقلاب" است که خوددقیقا آن روی که "ترس از انقلاب" است پنهان شده و عملاً به ضد انقلاب و استقرار آن خلاصه به توقف انقلاب کمک می کنند. آن ها تحت عنوان "عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی" در ایران برای ما خوابی دیده اند که سرازونوع "گذار ممر" در خواهد

آورد. پذیرش حاکمیت خرده بورژوازی در ایران عاقبتی جز "ممر" نمی تواند داشته باشد.

هر چند این خرده بورژوازی در جریان استقرار خود حادث ترین مبارزات قدامپریالیستی را هم کنند، ظرفیت ضد امپریالیستی و انقلابی خرده بورژوازی ایران، در آستانه بوروکراسی و ارتش یعنی دوبازوی حاکمیت بورژوازی و ایست به پایان رسیده و قادر به پیشروی نیست. خرده بورژوازی راهی جز بازگشت ندارد. او با پذیرفتن ماشین سرکوب دولتی بورژوازی به تدریج روبروی انقلاب قرار گرفته و علی رغم تشادهای سطحی خود با بورژوازی بزرگ و علی رغم هوجنجال های ضد امپریالیستی، چاره ای جز سازش با آن ندارد. من تصور نمی کنم شوروی از "خط مصری" خودراضی باشد البته این بیشتر تغییر نیروهای چپ و دمکرات مصری بود که شرایط خود را تشخیص ندادند و تحت عنوان لزوم وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی اجازه دادند که خرده بورژوازی ناسیونالیست، انقلاب را متوقف کند و ستم از کرده طبقه کارگر و جنبش کارگری بکشد و با لایحه هم پس از سال ها "سردر راه" "سوسیالیسم" حاکمیت سیاسی و اقتصادی را دودستی تقدیم و ایستکان امپریالیسم کند. حالا طبقه کارگر و نیروهای دمکرات مصری، پس از چند دهه دوباره باید از صفر شروع کنند. گذار مسالمت آمیز "مرحله ثوری" باقی مانده است. من سخما علاقه مند بودم که این تئوری بوج در نیاید. اما متاسفانه تا امروز حتی یک مورد عملی هم از این "گفتار" "موجهای وجود نداشته است. تنظیم خط مشی انقلابی مبتنی بر طبقه ثوری که صحت آن معلوم نیست، از اندیشه علمی به دور است.

گرگین: به نظر شما، ما چه باید کنیم، وظیفه نیروهای انقلابی در این میان چیست؟

ج: ما نباید با تحلیل درست از شرایط اجتماعی ایران و جهان تشخیص نشادها، با معیار "ادامه انقلاب ایران" در همه زمینه های، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی یکی و یا مبارزه با هرگونه اندیشه و توقف انقلاب، در جهت وحدت نیروهای انقلابی و تشکیل جبهه ای گسترده از این نیروها حرکت کنیم. قبل از قیام، نشاد عام، تضاد "خلق با امپریالیسم" بود که بطور عمده خود را، در تضاد خلق با دیکتاتوری نشان می داد. امروز هم علی رغم پیدایش تغییر در ترکیب نیروهای سیاسی، به لحاظ اجتماعی، تضاد عام، باز تضاد خلق با امپریالیسم است که در حال حاضر عمدا خود را بصورت مبارزه بین دمکراتیسم و انحصار طلبی نشان می دهد. نه چنانکه برخی گروهها می گویند بین لیبرالیسم و امپریالیسم و نه چنانکه برخی گروههای دیگری می گویند بین اسلام و کمونیسم. در بین تشادهای دیگر اجتماعی، تضاد بین اقلیت های ملی یا دولت مرکزی، در تشادهای داخلی طبقه حاکم، تضاد بین خرده بورژوازی مثنی و بورژوازی بوروکراتیک، (یا بوروکراسی بورژوازی) تشادهای سهمی هستند که از آن میان، تضاد بین خلق کرد با دولت مرکزی عمده شده و متاسفانه به علت انحصار طلبی قدرت حاکم، به سمت حل آنتاگونیستی حرکت کرده است. حل مسالمت آمیز این تضاد به نفع خود مختاری مردم کرد، به تمام نیروهای انقلابی این امکان را می دهد که با داشتن پایگاهی مطمئن، در جهت استقرار دموکراسی در سراسر ایران کوشش کنند. این دموکراسی که ابتدائاً بورژوازی خواهد بود به

نیروهای انقلابی اسکان خواهد داد که فارغ از هرگونه خطر دیکتاتوری و خفقان بورژوازی با خرده بورژوازی دست به تجهیز نیروهای انقلابی ضد امپریالیست زده و در محدلی نسبتاً آزاد، طبقه کارگر ایران را برای اداره کردن یک دموکراسی خلقی متحد و آماده کنند. گرگین: اینها درست ولی با توجه به ششستی که از نظر فکری و اختلافاتی که از نظر خط مشی بین نیروهای انقلابی وجود دارد، فکری کنید در عمل چه خواهد شد؟

ج: تاریخ، جریان مداوم پیوست و گسست است. دوره پیوست که دوره تکامل تدریجی است، عنصر ضرورت بر عنصر تضاد حکومت می کند. به همین دلیل در تنظیم خط مشی میتوان تا در امدت را محاسبه کرد. اما در دوره گسست که دوره انقلاب است، به دلیل حکومت عناصر تضاد، تنها محاسبات کوتاه مدت میتوان کرد. به این ترتیب در این دوره، در پهنه ضرورت کلی میتوان سمت حرکت نیروها را حدس زد و حرکت خود را انقباض و انبساط با آنها تنظیم کرد. در این رابطه بیشتر است بر سیم نیروها می خواهند چه بشود نه اینکه بطور کلی چه خواهد شد؟

تا آنجا که مربوط به امپریالیسم و متضاد امپریالیسم امریکا است، او تمام امید خود را به ارتش دوخته است از نظر امریکادریست این است که نیروهای روحانیست انحصار طلب، نیروهای چپ و دمکرات را بکوبند و در این مبارزه خود نیز تشدید گردند. چه، این روحانیون بر عم امریکا عقب مانده تر از آنند که بتوانند در مرحله کنونی به امپریالیسم مستقیماً وابسته شوند. خلاصی که در آخرین مبارزه پیدا میشود از نظر امریکا بتدریج بوسیله ارتش و سرمایه دارانی که در جریان وابستگی قرار می گیرند پرخوانند. از طرف دیگر، با دامن زدن به تضاد خلق با حکومت مرکزی که بیشتر از طریق انحصار طلبی و خشونت و عدم انعطاف حکومت مرکزی باید صورت گیرد، امکان بازسازی و ارتش طاعتوسی فراهم شود تا در صورت بعد از از کشیدن فعل و انفعالات سیاسی مورد نظر امریکا، ارتش بتواند در لحظه مناسب رسالت تاریخی خود را انجام دهد و امریکا را از سر همه نیروهای سیاسی خلق، اعم از چپ و راست، دمکرات و انحصار طلب و لیبرال و غیره رها نماید. اما خط مشی شوروی در ایران چنانکه گفتیم، راه رشد غیر سرمایه داری است. شوروی در این راه تمام نیروی خود را بسیج کرده است. نیروهای چپ که دچار شدیدترین تشتت ممکن هستند بجز چند سازمان نه چندان بزرگ بخشی سرگرم گفتگوی بی انتها بر سر رویز بنویسم و سوسیال امپریالیسم و مفاهیم مجردند و بخش دیگری دنبال خرده بورژوازی انحصار طلب و سرعوب شاننازهای او عملاً بسوی حاکمیت "شبه بعثی" میتازند. لیبرال - ها با گلایه از تجاوزات انحصار طلبانه روحانیست از طرفی و وحشت زده از نیروی انقلاب و مردم از طرف دیگر بتدریج سربجیب تفکر می کشند و منتظر فرصت می شوند تا شاید باز تحولی شود و خودی بشمایانند. تمایل آنها به استقرار یک سرمایه داری است که با هر شکل به آنها سهمی از قدرت بدهد. آنها در این راه از هیچ سازش تاریخی و سیاسی دریغ نخواهند کرد. در این میان وضع دمکراتها جالب است، به علت طول عمر دیکتاتوری در ایران که از لحاظی ۲۵۰۰ سال و از لحاظ

بحران اقتصادی در آمریکا

از صفحه ۱

امریکا بانوجه به فرارسیدن موعد انتخابات ریاست جمهوری باتمام توان تلاش میکند که راههای خروج از بحران را پیدا کند و به همین منظور جورج بوش رئیس جمهور آمریکا راهی کشورهای آسیایی گردید تا بازاریابی را برای فروش تولیدات صنعتی و مصرفی آمریکایی پیدا کند. مهمترین بخش مسافرت بوش دیدار وی از ژاپن بود که بانوجه به تکرانی تولید کنندگان محصولات صنعتی در اروپا و آمریکا در رقابت با کالاهای ژاپنی، توجه زیادی را برانگیخت. در معاملات بازرگانی آسیا در این اواخر، دلار آمریکا بدلیل وضع بحرانی اقتصاد آمریکا، در مقابل بهای ژاپن به پائین ترین میزان ارزش خود رسیده بود. و در عوض مسازاد تجارت خارجی ژاپن در ماه نوامبر ۹۱ تا ۴ برابر میزان ماه مشابه در سال قبل افزایش داشته، که بیشتر در اثر افزایش صادرات و واردات این کشور میباشد. بوش در این سفر دولت ژاپن را شدیداً تحت فشار قرار داد تا مقداری بازار کشور خود را به روی کالاهای آمریکایی باز کند و محدودیت های وارداتی را کاهش دهد. بوش گزارش داد که بی بی سی ۸ دیماه ۲۰۰۰ میزان کسری بودجه آمریکا ۳۰۰ میلیارد دلار است که روزانه یک میلیارد دلار نیز بر آن افزوده میشود. در این حال ۲۰ درصد از مردم آمریکا فاقد مسکن هستند و محصولات رئیس جمهور آمریکا شدت پائین آمده است. از جمله اقداماتی که دولت بوش برای رفع بحران در پیش گرفته یکی قانون جدید حمل و نقل میباشد که میتواند مقدار زیادی کالا تولید کند. از دیگر اقدامات دولت بوش پائین آوردن میزان مالیات های طبقات متوسط کم درآمد است که به مقدار ۳۰۰ دلار در سال از مالیات هر فرد کم میشود. سفر بوش به کشورهای آسیایی و اقیانوسیه از جمله استرالیا، سنگاپور، کره جنوبی و ژاپن به عقیده ناظران اقتصادی نتایج درخشانی را در پی نداشته است. در نخستین مرحله این سفر که استرالیا از سیاست های بازرگانی آمریکا و سوئید هاد بی که آمریکا به صادرات کشاورزی استرالیا بستگی است انتقاد کردند و هرگونه توافق جدید را منوط به ادامه مذاکرات و توافق ۱۰۸ کشور عضو "مؤقتنامه عمومی تعرفه و تجارت" دانستند. با وجودیکه دولت ژاپن قبل از سفر بوش تصمیم خود را منسوخ و ممنوعیت کامل واردات برنج به ژاپن را اعلام کرده بود ولی موضوع واردات اتومبیل های آمریکایی به ژاپن همچنان با مشکلات عمده روبرو است. برای آمریکا رقابت با بازارهای اتومبیل در ژاپن اهمیت حیاتی دارد. در سال گذشته ۷۵ درصد کسری عظیم ۴۱ میلیارد دلاری موازنه بازرگانی آمریکا با ژاپن از بخش صنایع اتومبیل سازی حاصل شده است.

افزایش افت سرمایه گذاری در بخش های ساختمانی و صنعتی در آمریکا نمایانگر رکود بیشتر اقتصادی در این کشور است. در سنگاپور نیز رئیس جمهور آمریکا بدنبال یافتن بازار برای صادرات آمریکا و سرمایه گذاری در این کشور بود، هدف کلی وی برقراری پیمانای دفاعی - نظامی بین کشورهای این منطقه میباشد. انتقال پایگاه های نظامی آمریکا

از خلیج سوئیک در فیلیپین که قرارداد آن تمام شده است به کشور سنگاپور نیز از موارد مذاکرات وی با مقامات سنگاپور بود. در کره جنوبی تلاش های رئیس جمهور آمریکا برای یافتن بازار برای کالاهای آمریکایی به جایی نرسید بدلیل اینکه این کشور خود شدیداً به افزایش حمایت از صنایع داخلی محتاج است و ایجاد شغل یکی از برنامه های نخست وزیر کره جنوبی میباشد. افزایش بیگاری بصورت بی سابقه رقم ۷ درصد را به خود اختصاص داده است که از چندین دهه پیش در آمریکا سابقه نداشته است. رئیس بانک مرکزی آمریکا "الین گرینسن" در برار مجلس مشترک دو کمیته سنای آمریکا اظهار داشت که اگر رکود اقتصادی ادامه پیدا کند، بانک مرکزی نرخ بهره را پائین تر خواهد آورد که مسلماً فشار بیشتری بر روی بودجه آمریکا خواهد بود. در حالیکه کمیتهی جنرال موتورز اقدام به اخراج در حدود ۲۰ هزار تن از کارکنان خود نموده است، هفته نامه یو. اس نیوز در مقاله ای اعلام داشت که از آغاز رکود جاری در ژوئن ۱۹۹۰ میلادی تاکنون یک میلیون و نهصد هزار آمریکایی بیگمار شده اند. به گزارش این هفته نامه مردم شرکت هایی که مجبور به اخراج کارکنان خود شده اند به ۶۳ درصد رسیده که در ۱۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. این هفته نامه می نویسد در آورده ماه گذشته فقط شرکت های جنرال موتورز، آی. بی. سی، ام. ویزراکس در مجموع ۱۰ هزار نفر را اخراج کرده اند. در میان این اخراج شدگان، کارمندان عالی رتبه و مدیران نیز در کنار کارگران رده پائین مشاهده میشوند که رقمی در حدود یک میلیون تن از کارکنان رده بالای شرکت های آمریکایی را شامل میشوند. به گفته سردبیر یک مجله اقتصادی ۵۴۰۰ شرکت بزرگ آمریکا ظرف ۸ سال آینده نیروهای کار خود را به حداقل ۴ میلیون نفر کاهش خواهند داد. کاهش نرخ بهره بصورت بی سابقه نیز نتوانسته مشکل را حل کند. اگر چه کاهش نرخ بهره بصورت تئوریک محرکی برای اقتصاد محسوب میشود ولی اوضاع کنونی اقتصادی آمریکا به مراتب وخیم تر از رکود عظیم اقتصادی سال های ۱۹۳۰ می باشد. در آن دوره دولت حدود ۳ درصد از درآمد خالص کشور را صرف حمایت از بانک ها، صنایع و بخش مالی و اقتصادی کرد در حالیکه این رقم امروز به ۲۵ درصد رسیده است. اقتصاد بیمار آمریکا برای رها شدن از این رکود به تغییرات ریشه ای احتیاج دارد و فرم ها و تغییرات تحولات جزئی که دولت آمریکا در این مورد انجام میدهد به جایی نخواهد رسید.

گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا در مورد نقض حقوق بشر در ایران

گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا به کنگره این کشور که همه ساله در رابطه با حقوق بشر منتشر میشود در رابطه با ایران توسط این وزارتخانه به کنگره ارائه گردید. این گزارش ضمن اشاره به ساختار حکومت ایران می گوید "کاندیداهای مقام نمایندگی و بیاریات جمهوری باید از شرایط بسیار سخت مذهبی و سیاسی، برخوردار باشند و در نتیجه حق انتخاب رای دهندگان بسیار محدود است." در گزارش

حقوق بشر وزارت امور خارجه آمریکا همچنین آمده است: "تکیه دولت بر قدرت، هنوز از طریق بازداشتها، محاکمات و اعدام های غیررسمی و عجولانه و سایر روش های ارباب انگیز که از طریق نظام گسترده امنیت داخلی که تحت فرماندهی وزارت اطلاعات و امنیت قرار دارند انجام میشود."

این گزارش در دنباله خود به موارد نقض حقوق بشر در ایران پرداخته و در آن آمده است: "شواهد و مدارکی از بهبود رعایت موازین حقوق بشر توسط دولت در ایران وجود ندارد و دولت همچنان متجاوز به حقوق آزادی های بشر بشمار میرود. بانوجه به فعالیت های گسترده ای که از سوی دولت برای مخفی نگه داشتن اطلاعات بعمل می آید دست یابی به جزئیات و آمار و ارقام دقیق تجاوز به حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۹۱ امکان پذیر نبوده است. عوامل اصلی و عناصر محلی که ممکن است، چگونگی رعایت حقوق بشر را در ایران تحت نظر گرفته و گزارشی در باره آن تنظیم کنند، بی رحمانه از سوی دولت سرکوب میشوند." وزارت امور خارجه در گزارش خود تاکید میکند که در این گزارش بسیار کوشش شده که اوضاع حقوق بشر در ایران دقیقاً و در نهایت صحت توضیح داده شود. به طریق این گزارش موارد تجاوز به حقوق بشر در ایران عبارتند از: "اعدام های عجولانه، بدون طی مراحل رسمی محاکمات قضایی، سرکوب آزادی ها، حق بیان، مطبوعات، اجتماعات و تشکیلات سازمانها، بازداشت های بدون مجوز قانونی، نبود محاکمات عادلانه و منصفانه، ادامه سرکوبی جامعه بهائیه، عدم پذیرش حق شهروندان برای تشکیل حکومت خود و اعمال محدودیت های شدید بر زنان و حقوق کارگران." گزارش وزارت امور خارجه آمریکا به کنگره سپس به ذکر جزئیات هر یک از موارد ذکر شده در مورد تجاوز به حقوق بشر در ایران اشاره میکند. در بخش اول که به احترام به حقوق بشر اختصاص دارد و تحت عنوان کشتارهای سیاسی و خارج از محدوده قضایی می نویسد "بانوجه به نبود مقررات و موازین لازم برای محاکمات سیاسی و همچنین موجود نبودن برآورد های قابل اعتماد و تعداد افرادی که در سال ۱۹۹۱ به دلیل گرایش سیاسی خود اعدام شده اند، معلوم نیست. ولی در گزارش های معتبر آمده است، در میان افرادی که به اتهام جرائم جنایی اعدام شده اند، زندانیان سیاسی نیز وجود داشته اند. دولت مکرراً و عملاً اعلام کرده است، که مخالفت با انقلاب اسلامی ایران برابری است زمن به اقدامات تروریستی است. علاوه بر آن دولت به اقدامات سیاسی مخالفان خود در خارج کشور نیز ادامه داده که بعنوان نمونه از ترور بختیار در ماه اوت گذشته یاد شده است." در بخش ناپدید شدن افراد گفته شده است که "تعداد افراد مفقوداً لاثر در سال ۹۱ معلوم نیست: علت آن نبود اطلاعات دولتی و گزارش ندادن جریان اعدام زندانیان سیاسی به خانواده های آنان ذکر شده است." در مورد شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، در گزارش وزارت امور خارجه به کنگره این کشور و در رابطه با چگونگی رعایت حقوق بشر در ایران آمده است، "شکنجه زندانیان در سال ۹۱ هم چنان ادامه داشت و رفتار غیر انسانی و ظالمانه با زندانیان محکوم شده امری عادی است."

مصاحبه با رفیق مهدی سامع در باره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

قسمت آخر

ج - تاثیر این تحولات را در صحنه بین المللی چه میدانی؟

ج - خود این تحولات در کشورهای سوسیالیستی از تغییراتی که در صحنه بین المللی بوجود آمدند تاثیر پذیرفته و متقابلا در آن تاثیر می‌گذارد. این تاثیرات جنبه‌های متفاوتی دارد که در حوزه‌های مختلف متفاوت است. مهمترین و اساسی ترین تغییری که در صحنه بین المللی بوجود آمده اینست که جهان دو قطبی کاملا تغییر کرده است. پس از جنگ جهانی دوم تادهه هشتاد، بر اساس کنفرانس یالتا یک بلوک بندی در جهان وجود داشت که یک طرف آن آمریکا و طرف دیگر شوروی بود. اکنون این وضعیت تغییر کرده است. بسیاری از تحلیل گران سطحی می‌گویند تا کنفرانس مالتا را بجای کنفرانس یالتا قرار دهند. ولی باید نگاه سطحی هم می‌شود فهمید که آمریکا هم دیگه امریکای دهه هشتاد و هفتاد نیست. امروز آمریکا و شوروی نمی‌توانند به تنهایی روی هیچ مساله جهانی تصمیم بگیرند. کنفرانس مالتا هم هیچ دستاورد مهم بین المللی نداشت. اگر بتوان چیزی را بجای یالتا قرار داد، آن کنفرانس هایی است که در آن علاوه بر شوروی و آمریکا، اروپا و چین هم در آن شرکت داشته باشند. امروز مذاکرات چند جانبه و دو جانبه ای که بین اروپا، شوروی، آمریکا و چین جریان دارد، تعداد این مذاکرات و حجم مسائلی که در آن مطرح میشه، نشان میده که وقیعی جدیدی در صحنه بین المللی برای دوا بر قدرت سابق بوجود آمده. در همین جریانات مربوط به کویت هم روشن شد که دیگر آمریکا، آن امریکای دوره ریگان نیست. امروز آمریکا برای هر حرکت خود مجبور است به دیگر طرفهای ذینفع مراجعه کند. در حالیکه اگر دهه هشتاد بود، مسلما آمریکا کار خودش را می‌کرد. از این تغییر سیاسی یک مساله اقتصادی بوجود می‌آید و آن اینست که بازارهای اقتصادی جهان باید دوباره تقسیم شود. این چند قدرت بزرگی که گفتم، هر کدام در تدارک نیروی بیشتر برای بدست آوردن بازارهای جدید هستند. بدین سبب می‌گویند نا اتحادیه‌های منطقه‌ای بوجود آورند. این اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، در واقع بیان انحصارات فراملیتی است که طی دهه گذشته سرمایه‌داری انحصاری به ایجاد و گسترش آن مبادرت ورزید. نتیجه طبیعی این وضعیت، تشدید تضاد بین قدرت های بزرگ بر سر کسب بازارهای جدید است. این مهمترین تغییر در مناسبات بین المللی است. اما تغییرات دیگری هم بوجود آمده که باید بدان توجه کرد. یکی از آنها تلاشهایی است که از جانب اتحاد شوروی برای محدود کردن سلاح های اتمی و استراتژیک صورت گرفته و تحت تاثیر آن طرف مقابل به مسائل مشخصی تن داده است. البته این امر مسلما نمی‌تواند تاثیرات مشخصی در صف بندی نیروهای امپریالیستی نداشته باشد. انحصارات میلیتاریستی می‌گویند در این شرایط اولاً سلاح های کهنه و قدیمی را به قیمت هر چه فقیرتر بخش کشورهای تحت سلطه بفروشند و در ناسی سلاح های جدید و مدرن دیگری تولید کنند. در جریانات مربوط به کویت یک رویداد جالبی اتفاق افتاد. در حالی

که برای هر آدم ساده‌ای هم دیگر روشن شد که دولتت عربستان قادر نیست حتی از یک گلوله خود برای دفاع از خود استفاده کند و خرید آنهمه سلاح هیچ کارسردی نداشته. باز هم همین دولت، چند میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خرید. برای من حقیقتا تعجب آور نیست اگر روزی بشنوم که آمریکا نه در گذشته و نه در شرایط کنونی آن سلاحهایی که فروخته به عربستان تحویل نداده است و چیزهای دیگری تحویل داده. چون هیچ فرقی برای عربستان سعودی که قادر نیست از هیچ کدام این سلاحها استفاده کند، نمی‌کند. و البته عربستان اینست که پول با آ آورده از نفت را به جیب انحصارات میلیتاریستی بریزد. نکته دیگری که در صحنه بین المللی بوجود آمده توافق قدرت های بزرگ برای جلوگیری از انقلاب قهرآمیز در کشورهای تحت سلطه است. این البته توافق دیگری را هم بهمراه داشته و آنهم محدود کردن عملکرد دیکتاتوری های موجود در این کشورها و ایجاد شرایطی برای انجام یک سلسله رفم های سیاسی است. اینها مهمترین تاثیرات تحولات اخیر در صحنه بین المللی است. البته این تغییرات بین المللی در همه کشورهای میزان موثر نیست. اما بهر حال در تمام کشورهای جنوبی و به میزانی تاثیر می‌گذارد. یکی از این تاثیرات ضعیف شدن و هر چه بیشتر خفشی شدن نقش احزاب وابسته به سگواست. در مقابل قدرت مانور جریانات مستقل که البته روشن بین و مجهز به اندیشه‌های مدرن و منطبق با شرایط کنونی باشند، با لامیره در مجموع در کشور های مختلف دیگر گویی های معینی در صف بندی نیروهای سیاسی و گرایشات سیاسی بوجود می‌آید که نسبت به دهه هشتاد کاملا متفاوت است.

س - خوب حالا در مورد مسائلی که مربوط به استراتژی و تاکتیک خودمان است، صحبت کنیم. می‌خواستم توضیح دهی که نظرت بطور مشخص در مورد دیکتاتوری پرولتاریا و نحوه اعمال آن چیست؟

ج - من اگر مجبور باشم که در رابطه با دیکتاتوری پرولتاریا، فقط یک کلمه جواب دهم، خواهم گفت که با آن موافقم. منظر من هر کسی که فقط به مارکسیسم و نه حتی لنینیسم معتقد باشد و بخواید مارکسیسم بماند باید همین جواب را بدهد. من اگر روزی این سرم مارکسیستی را رد کنم، دیگر خودم را مارکسیست نخواهم دانست. این تاکید را برای این می‌کنم که بر اخصیست این مقوله در تئوری مارکسیستی و در استراتژی و تاکتیک انقلاب سوسیالیستی تاکید کرده باشم. اما چگونه عمل حکومتی که بر اساس "دیکتاتوری پرولتاریا" ترار دارد، باید مورد توجه دقیق قرار گیرد. نباید هر کاری که در این کشورهای سوسیالیستی و در احزاب کمونیستی وابسته به مسکو و پاجین و الهانی صورت گرفته بحساب تئوری مارکسیستی درباره "دیکتاتوری پرولتاریا" گذاشت. هم مارکس و هم لنین بارها تاکید کرده‌اند که حکومت پرولتری، دموکراتیک ترین نوع حکومت است. حالا در عمل چرا چنین نشد. این حرف دیگریست. من برای این موضع خودم را در این زمینه بطور خیلی روشن و ریزنده بیان کنم، فروش می‌کنم در یک شرایط مشخصی و مغفوش در جامعه ایران زیر رهبری یک حزب کمونیست و با شرکت و پشتیبانی اکثریت مردم، قدرت سیاسی گنبد و انقلاب سوسیالیستی از جنبه سیاسی پیروز شود. البته جامعه ایران در شرایط کنونی در مرحله انقلاب

سوسیالیستی نیست، من این فرض را برای روشن کردن دیدگاه خود می‌کنم. بهر حال در این شرایط دولتت موقتی که از بن مبارزه و قیام مردم بوجود نیاد و صورت ناشد اکثریت مردم کشور هم هست، باید پس از حل اولیه ترین مسائل انقلاب، یعنی استقرار انقلاب و خنثی کردن مقاومت نیروی سرنگون شده، در اسرع وقت (در یک مدت کوتاه) به ارا کمونیستی برای ایجاد مجلس موسسان مراجعه کند. این انتخابات باید بارای مستقیم و مخفی کلمه آحاد ملت و بانثارت مکفی و با شرکت جدی رقیبای حزب کمونیست صورت گیرد.

در نظارت بر این انتخابات، باید

نیروهای ذینفع و رقیبای حزب کمونیست و بدون هرگونه امتیاز برای هر حزب سیاسی مشارکت کنند. همینجا یکد پرانتر باز کنم و بگویم که من شخصا در آینده ایران بهر انتخاباتی که نتیجه ۷۰ درصد به بالا برای یک حزب سیاسی خاص (مثلا حزب کمونیست) داشته باشد، مشکوک خواهم شد. بهر حال این انتخابات بمنظور تاسیس مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی کشور است. اگر در نتیجه چنین انتخاباتی حزب کمونیست اکثریت مجلس را تشکیل داد، حق دارد که دولتت را تشکیل دهد. دیگران باید این حق را به رسمیت بشناسند. اگر اکثریت را بدست نیآورد باید رای اکثریت را کاملا به رسمیت بشناسد. اما اگر حزب کمونیست در مجلسی موسان اکثریت را دارا بود، نباید از این اکثریت سوء استفاده کرده و هر طور که بخواید قانون اساسی را تدوین کند. بلکه در قانون اساسی باید یک سلسله موازین و میثاقی ها که اکثریت و اقلیت نمی‌شناسد به رسمیت شناخته شود. این موازین و میثاقی ها را من اینگونه جمع بندی می‌کنم، اولاً باید در قانون اساسی، مکانیسم های عملی برای تنه بر قانون اساسی پیش بینی بشه. این مکانیسم ها باید بشکلی باشد که فقط اکثریت از آن استفاده نکند، بلکه یک میزانی از اقلیت، و نه هر اقلیت کاملا محدود بتواند از آن استفاده کند. ثانیا باید حقوق سیاسی اقلیت کاملا به رسمیت شناخته شود. این حق شامل حق اقلیت برای تبدیل شدن به اکثریت و در نتیجه تشکیل دولت نیز خواهد بود. اقلیت در چارچوب قانون اساسی تازم رقیب مسلحانه نباید از آزادی سیاسی برخوردار باشد. مسلما اگر یک تیروی اقلیت به اکثریت تبدیل شود و حق او از طرف دولتت حاکم هم اجازه نگیرد و به قیام مسلحانه متوسل شود. بهر حال هیچ حکومتی، هر قدر هم که انقلابی باشد، نمی‌تواند برای اقلیت جامعه، تحت هیچ توجیهی حکومت کند. ثالثا در قانون اساسی باید هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد و ایندولوری و قومیت اکیدا ممنوع اعلام شود و آزادی های سیاسی و حقوق مدنی مردم و منجمله حق ملیت هادرتعیین سرنوشت خویش، حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، کانون ها، سننیکاها و شوراهای به رسمیت شناخته شود. رابعا، در قانون اساسی باید مجلس نمایندگان مردم که هر چند سال یکبار (مثلا ۴ سال) انتخابات آن بر طبق همان موازینی که برای انتخابات مجلس موسسان گفتم، برگزار می‌شود، گنجانده شود و این مجلس با لاترین مرجع قانون گذاری کشور باشد. در قانون اساسی باید

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

مصاحبه با رفیق مهدی سامع

در باره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

استقلال قوای مقننه و قضائیه از قوه مجریه به رسمیت شناخته شود. در زمینه بین المللی این حکومت باید مناسبات خود را با دیگر کشورها بر اساس اصل عدم دخالت در امور داخلی دیگران، حفظ استقلال خود، به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت و تعیین نوع حکومت خود، دفاع از صلح و تسخیر زدائی تنظیم کند. در هیچ بلوک بندی نظامی و پیمان نظامی شرکت نکند. چنین حکومتی مسلماً هیچ متحد استراتژیک، طبیعی و از پیش تعیین شده‌ای ندارد. البته این حکومت نباید با حکومت های نژادپرست رابطه داشته باشد. بطور مثال من اگر بخوام مثالی در این مورد بزنم، بهترین نوع دیپلماسی را من دیپلماسی شانروان دکتر محمد ممدق و با شورای ملی مقاومت ایران می دانم. در زمینه اقتصادی باید یک رابطه درست بین استقلال، دموکراسی، پیشرفت اقتصادی، عدالت و رفاه اجتماعی ایجاد کند. باید از دولتی کردن های بیرویه پرهیز کند. دقیقاً باید به دینامیسم درونی اقتصاد، بخصوص در حوزه مسائل کشاورزی و تولید خرد و متوسط توجه کند و بر طبق آن حرکت کند. البته در جامعه‌ای مثل جامعه ایران مسلماً منابع نفت، آب، برق، راه آهن، صنایع بزرگ فولاد و... تنها می تواند بوسیله دولت اداره شود. اما در این زمینه نیز باید از مکانیسم های که منجر به رشد بوروکراسی می شود، جلوگیری کرد. باز هم تاکید باید کرد که در حوزه مسائل کشاورزی باید با دقت و دوراندیشی کامل برخورد کرد. نباید در مورد ظرفیت دهقانان بطور کلی و حتی دهقانان بی چیز در مورد دفاع از سوسیالیسم دچار توهم شد. در مجموع باید از هرگونه اقدام از بالا و بدون توجه به دینامیسم درونی رشد اقتصادی پرهیز کرد. برای تضمین آن اصولی که گفتم، باید یک مکانیسم عملی برای کنترل و نظارت و بازرسی مستقیم و غیر مستقیم بوجود بیاید و این امر هیچگاه تعطیل نشود. کنترل مستقیم از طریق ارگانهای مردمی مثل شوراهای سندیکاها، انجمن ها و کنترل غیر مستقیم از طریق مطبوعات و دیگر رسانه های خبری صورت می گیرد. بدون وجود یک سیستم کنترل و نظارت و بازرسی مستقیم و غیر مستقیم، امر مشارکت مردم در امری که بخودشان مربوط است و برنامه ریزی و برنامه ریزی دیگرانیکه تحقق ناپذیر است، در رابطه با برنامه ریزی اقتصادی باید یک نکته را هم روشن کنم، ما از برنامه ریزی مرکزی دفاع کرده ایم و باز هم خواهیم کرد. ولی این را باید توضیح داد که این برنامه ریزی مرکزی که اکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته اجرا می شود، نباید با تمرکز بی رویه در اقتصاد یکی گرفته شود و مهم تر از آن این برنامه ریزی مرکزی باید با شرکت گسترده مردم صورت گیرد. بدین معنی که نباید بدون بحث و بررسی کافی و بدون اطلاع عموم مورد تصویب قرار گیرد. اگر قرار باشد که مثلا چنین برنامه ای توسط دولت تنظیم و به پارلمان برای تصویب ارائه شود، باید قبلاً در مطبوعات و رسانه های خبری اعلام و در مورد آن نشرات مختلف بیان و امکانات بحث گسترده برای مشارکت عموم فراهم شود، اما بهر حال ارگان قانونگذاری کشور آسرا به تصویب نهایی خواهد رساند.

س - رابطه حزب کمونیست که اکثریت ارا را در

جامعه دارد با دولت چگونه است و اساساً با این توشیحاتی که دادیم چه نقشی در حکومت و در برنامه ریزی های آن دارد؟

ج - حزب کمونیست اگر بخواد واقعا پشاهانگه طبقه و نیروهای اجتماعی مدافع سوسیالیسم باشند و نقش پیشامک خود را حفظ کند و پیشروترین، آگاه ترین، فداکارترین و انقلابی ترین عناصر طبقه کارگر و نیروهای اجتماعی مدافع سوسیالیسم را به گرد خود جمع آوری کند، باید اولاً از تبدیل شدن به یک حزب تمام خلقی پرهیز کند. باید طبقه کارگر و آن نیروهایی که با تولید مدرن صنعتی شکل می گیرند و در حفظ سرمایه داری منافعی ندارند را در درون خود جمع آوری کند. این حزب باید از پاکیزگی و شفافیت ایدئولوژی خود که همانا مارکسیسم لنینیسم است کاملاً حفاظت کند. و با مردم شکل کاملاً مریح و صادقانه برخورد کند. این حزب باید کاملاً از سیستم دولتی خود و اتکینیک کند و تحت هیچ عنوان (مثلاً تحت این عنوان که انقلاب راهبری کرده و اکثریت عظیم جامعه را دنبال دارد) نباید ایدئولوژی خود را به دولت تحمیل کند و آنرا در موازین دولتی، در آموزش عمومی و در رسانه های که متعلق به عموم جامعه است جاری سازد. ما کاملاً باید مدافع دولت غیر حزبی، غیر ایدئولوژیک باشیم. همان گونه که مدافع دولت غیر مذهبی بوده ایم. تعلق کار حزب و دولت، زبانهای زیادی به کار و جهت گیری حزب وارد می کند. حزب را بتدریج از طبقه خود جدا می کند و سیستم حزبی را کاملاً به یک سیستم غیر خلقی، بوروکراتیک و غیر پیشرو تبدیل می کند. گفتم که یک دولت سوسیالیستی، متحد استراتژیک، طبیعی و از پیش تعیین شده ندارد و در حالی که حزب کمونیست باید یک چشم انداز انترناسیونالیستی در مقابل خود قرار دهد. درست است که حزب کمونیست وظیفه دارد که قبل از هر چیزی به وظایف "ملی" خود عمل کند، اما این بدون داشتن یک چشم انداز بین المللی و حرکت در جهت آن، حزب را از جنبش جهانی کارگری و از نیروهای ترقی خواه، استقلال طلب جدا می کند. احزاب و نیروهای بورژوازی، امروز مکانیسم های دارند که همبستگی و همکاری بین المللی آنها را عملی می کند. حزب کمونیست نیز باید بتواند چنین امری باشد. البته این همکاری و همبستگی بین المللی نباید به یک امر بگرفته به آنگونه که قبلاً اجرا می شده، تبدیل شود، حزب کمونیست با نیروهایی در سطح بین المللی همبستگی و همکاری دارد که امرهایی کارگران و ملل جهان را در دستور کار خود قرار می دهند، از دخالت در امور یکدیگر پرهیز می کنند، از تحمیل نظرات خود به دیگر نیروها، تحت هر عنوان، پرهیز می کنند.

س - پس چنین حزبی که در اکثریت هم قرار دارد، چگونه نظرات خود را پیش می برد؟

ج - گفتم که حزب نباید ایدئولوژی خود را به جامعه و به دولت تحمیل کند. حزب نباید تحت هیچ عنوان در زندگی خصوصی مردم و حتی اعضای خود دخالت کند. گفتم که حزب نباید هیچ حق ویژه ای برای خود طلب کند. ما گفتم که نباید برای به کرسی نشاندن برنامه هایش مبارزه نکند. برعکس باید برنامه ای روشن داشته باشد و برای اینکه این برنامه به برنامه های دولت تبدیل شود، مبارزه کند. اگر برنامه های حزب کمونیست درست و واقع بینانه و منطبق با منافع اکثریت

جامعه باشد و در ارگان قانون گذاری کشور مورد تصویب قرار گیرد، در عمل صحت آن ثابت می شود و بنابراین مورد تأیید قرار می گیرد. اما اگر این برنامه ها درست نباشد، با جهت حرکت جامعه همخوانی نداشته باشد، حتی اگر مورد تصویب هم قرار گیرد، پس از مدتی، غلط بودن آن، بشرطی که در جامعه شرایط دمکراتیک وجود داشته باشد، روشن می شود و حزب باید بهای این عقب ماندگی خود را بپردازد. اگر در جامعه هم شرایط دمکراتیک وجود نداشته باشد، که همین پیش می آید که حالا در کشورهای سوسیالیستی پیش آمده، بهر حال اگر بخوام خلاصه کنم، ما باید از دولت غیر مذهب و غیر ایدئولوژیک و از جدایی کامل دستگاه دولتی از دستگاه حزبی دفاع کنیم. باید از تحمیل ایدئولوژی خود به جامعه و دولت تحت هر عنوان پرهیز کنیم. باید از دخالت در امور خصوصی مردم پرهیز کنیم. در مقابل باید از پاکیزگی و شفافیت ایدئولوژیک خود دفاع کرده، بگوئیم برنامه ای پیشرو برای جامعه ارائه دهیم و تلاش کنیم این برنامه ها به برنامه دولت تبدیل شود.

س - اینطور که از نظرت بر می آید، تو شکل حاکمیت سوسیالیستی را الزاماً شورائی نمی دانی و اساساً روی آن تاکید خاصی نمی کنی. می خواستم توضیح دهی نقش شوراهای در نظام سوسیالیستی چیست؟

ج - درست است. من نظام سوسیالیستی را تنها در شکل شورایی آن نمی دانم. در مورد این مساله هم در سطح جنبش و هم در درون سازمان مباحث های زیادی صورت گرفته. اول باید دید که ما از نظام شورایی چیست؟ دوم اینکه آیا این نظام در جنبش کمونیستی چه سابقه ای دارد و در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی چگونه پیاده شده و سرانجام در مورد خودمان چگونه باید با آن برخورد کرد. مساله حاکمیت شورایی در مبنای تئوریک سوسیالیسم علمی از تجربه کمون پاریس و انقلاب شکست خورده روسیه در ۱۹۰۵ استخراج شده و در انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه هم شکل مشخصی بخود گرفت. منظور لنین از نظام شورایی در آئین تئوریک او، نظامی است که شوراهات تمام قدرت را در دست می گیرند و قانون گذار، مجری و قضاوت کننده خودشان هستند. یعنی تفکیک قوا در نظام شورایی وجود ندارد. در اینجا برای خود من این سوال وجود دارد که بجز دوره های کوتاه انقلابی که با دولت های موقت انقلابی مشخص می شود، عدم تفکیک قوا، چه وضعیتی در اداره کشور بوجود می آورد. من برای این سوال هنوز نتوانسته ام جوابی پیدا کنم و تجربه ای هم در این زمینه وجود ندارد. یعنی در خود اتحاد شوروی هم در ابتدا که شوراهای مستقر بودند، بل نوعی تفکیک قوا وجود داشت. چون با لاخره کنگره شوراهای، حیثیت اجرایی و انتخاب می کرد، مثل پارلمان که دولت را تعیین می کند. بهر حال در تجربه کشورهای سوسیالیستی فقط در اتحاد شوروی، صحبت از نظام شورایی بوده و در آنجا هم عملاً پس از مدتی کنگره شوراهای دیگر قدرت واقعی را در دست نداشت. در تقیه کشورهای سوسیالیستی هم اشکالی مشابه اشکال پارلمانی وجود داشته که معمولاً کنگره نمایندگان خلق نامیده می شده بهر حال همانطور که گفتم در تجربه عملی، ما نظامی که در یک مدت چند سال، به شکل شورایی و آنهم



شهادت فدائی

از صفحه ۱۶

وفقاً:

رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - سعید احمد زاده عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمد زاده مهدی سولوسی - حمید توکلی - غلامرضا گل‌سوی بهمن اژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان - سه پله - مناد فلکی - علیرضا نایدل - یحیی امین‌نسیا جعفر اردبیل‌چی - محمد علی تقی زاده - اصغر عرب زهریسی - اکبر مویب - علی نقی آرش - حسن سرکاری فریدون نجف‌زاده - علی اکبر صفائی قراهنائی مجلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی قاضی - اسماعیل سعیدی عراقی - شجاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان عبدالرضا کلانتر نیستانی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمد رضا بهکیش - نظام - حمید آزادی عباس - جعفر پنجه شاهی - محمد علی معتقد - جواد غفوریان - جلیل خوارزجی - سعید عقیقی - علی خلیفی - عبدالرحیم صوری - تیسور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهر خو - بهاء الدین نگهبان خرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی محتجبی خرم آبادی

طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیم‌های شاه و خمینیستی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم پیشرفت‌یافته رسیده.

وسوسیالیسم علمی که حقیقتاً بانگامل علم، تکامل یابد و انسان را در مرکز توجه خود قرار دهد، تنها بدین شکل نظام نامعادلانه کنونی جهان است. بطور مشخص هم، نسل جوان و نوجوان بخش‌های غیرنخبی و غیرروستایی کشور ما، ضمن اینکه در مقابل تحولات کنونی در کشور - های سوسیالیستی، با مسائل بنوعی روبرو می‌شود اما بعینت اینکه این نسل دوران تعرض جهانی ارتجاع را تجربه می‌کند، از آنجا که مثل نسل ماونسل جوان دوران انقلاب ۲۲ بهمن با اندوهی توهم و با کمبود اطلاعات روبرو نیست، سرمایه بزرگی برای جنبش سوسیالیستی است. برای ماکه طعم چمات حزب توده و جریان موسوم به اکثریت و شرکا را کاملاً چشیده‌ایم، بخوبی قابل درک است که شرایط برای دریافت حقیقت توسط نسل جوان و نوجوان کشور ما بسیار مساعدتر از گذشته است. بخصوص اینکه امروز این فقط دیوار برلین نیست که فرو می‌ریزد و این تنها تظاهرات دربار کشور - های سوسیالیستی نیست که فرو می‌ریزد و این تنها نیروهای دیروز "اردوگاهی" و امروز "دمکرات‌منش" نیستند که سنت شکنی می‌کنند. امروز بسیاری از جریانات اجتماعی جامعه ما مجبورند برای تطبیق خود با شرایط در حال تحول، به نوعی چیزهای سنتی را از گذشته خود دور بران کنند، خود حکومت آخوندها اینکار را بیشتر از هر نیرو دیگری می‌کند. اگر چه اقدامات اکثر نیروهایی که "سنت" شکنی می‌کنند، "نوسازی" و "بازسازی" می‌کنند، "دمکرات" و "آزادمنش" میشوند و از "گپنه" به "نو" حرکت می‌کنند، برای آگاه کردن مردم نیست و برای حفظ موقعیت خود است، اما بهر حال شرایط برای رسیدن به آگاهی را سرعت فراهم می‌کنند و نسلی که از آن صحبت کردم، از این شانسین برخوردار است که حقیقت را بر این تر از گذشته می‌بیند. این شرایط مناسب و آن سرمایه‌های موجود در جامعه، مازایه این امیدوار می‌کند که چشم انداز مشخص پیشرفت جنبش واقعی کمونیستی در جامعه خودمان نسبت به دهه هشتاد، بسیار روشن تر است.

پایان

دهد، پس نمی‌توان نتیجه گرفت که این تحولات به ضرر انقلاب جهانی است. البته بسیاریه ضرر آن نیروهای بی است که با نیروی اتحاد شوروی بقدرت می‌رسند و ولی برای نیروهایی که انرژی خود را از مردم کشورشان می‌گیرند، اتفاقاً زمینه‌های مساعدتری بوجود آمده و بخصوص اینکه اکنون نیروهای ارتجاع جهانی نمی‌توانند هر جنبش مردمی را با مارک و وابستگی به شوروی بگویند. در خود کشورهای امپریالیستی هم اتفاقات مهمی داره می‌افته که کم کم اثرات خود را نشان می‌دهد. گفتیم که جهان دو قطبی تغییر کبشیده و جهان کنونی سمت چند قطبی شدن پیش میره خود همین وضعیت تا قطب بندی احتمالی بعدی، بیک وضعیت مساعد است. حالا باید کم کم اثرات تقسیم مجدد اقتصادی جهان را دید، کم کم خواهیم دید که در جهان کنونی که شدت نامعادلانه است، چه مسائلی بخاطر ترس از بلوک شوروی پنهان می‌شده و مسائل دیگر. حالا در این جهان نامعادلانه، آیا همه چیز بروق مسرررر امپریالیسم پیش می‌رود. روزی بود که ما در اتفاقاً در جهان می‌افتاد، می‌گفتم سودماعت. حالا باید به آن طرف افتاد. دیوار توهم فرو ریخته و واقعیت‌های درناکی خود را به نمایش گذاشته‌اند. اما درک حقیقت همیشه عامل اصلی برای راهبایی عملی و نظری برای راهی بشر است. از این جهت من معتقدم زمینه‌های مادی برای پیشرفت جنبش‌های انقلابی، ترقی خواه و کمونیستی بیشتر از گذشته فراهم است. اما برای اینکه این زمینه‌های مادی بتوان فرجهت پیشرفت عملی این جنبش‌ها شود، باید به تئوری علمی مجهز شد و برای این باید به دانش زمان مجهز شد. اگر مارکس و انگلس توانستند نقش مهمی در تکامل مبارزه طبقاتی ایفا کنند، بخاطر این بود که به دانش زمان خود مجهز شدند. امروز جنبش‌های ترقی‌خواه نمی‌توانند به نیازهای تکامل مبارزه پاسخ بدهند مگر اینکه مسائل جنبش را با توجه به انقلاب علمی، فنی و انفورماتیک تجزیه و تحلیل کنند. از این زاویه باید به چشم اندازه‌ها نریزنگاه کرد. ماکبیه برداری و تحلیل‌های چند دهه قبل، نمی‌تواند به شرایط در حال تحول کنونی پاسخ داد. من البته اطلاعاتم راجع به جریان‌سناسات کمونیستی جهان چندان زیاد نیست، اما آنچه در کشور خودمان و کشورهای دور اطراف می‌بینم، متأسفانه چندان امیدوارکننده نیست. حالا ما دیگر نیروهای انقلابی که حقیقتاً به چشم اندازه‌های بی بازگشت می‌اندیشیم، ما و آنهاست که افق دیدشان را سعی می‌کنند وسعت ببخشند. ما و آنهاست که در عصر آگاهی، انسان و راهی آنرا در مرکز توجه خود قرار می‌دهند، ما و آنهاست که با تمدن بشری بخاطر اینکه هنوز نتوانسته‌اند خود را با آن هماهنگ کنند، سرچنگ ندارند. ما و آنهاست که آرزوها، امیدها، اشک‌ها و لبخندهایشان بخاطر آزادی بشر و سعادت آن است، در مقابل وظایف سنگینی تراسر گرفته‌ایم. اگر این وظایف را در برابریم و اگر تا وقتی توان بردن باری داریم، آنرا صادقانه حمل کنیم و وقتی دیگر توان نداریم، سر راه دیگران را ندیدیم و بازم صادقانه تجربه خود را فراختر دیگران و دیگران را اینگونه دیگرانی که راه مبارزه برای استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم را طی می‌کنند، قرار دهیم، در این صورت چشم انداز بسیار روشن خواهد بود. سرمایه‌داری هرگز نمی‌تواند به نیازهای تکامل یابنده بشر پاسخ گوید.

مهورتی که در آنتارکتیک از آن صحبت کرده، نداریم که بطور مشخص بشود روی آن تاکید کرد. البته این مسئله هم مطرح است که وقتی از نظام شوروی صحبت می‌کنیم، آیا تمامی اقشار خلق از طریق شوراهای نمایندگان خود را به کنگره شوراهای اعزام می‌کنند، یا فقط بخش کارگران و دهقانان و زحمتکشان؟ مثلاً تصور کنید که شادریک کشوریکه اکثریت آن را توده غیر کارگری تشکیل می‌دهند، نظام شوروی مستقر کنید، بدون اینکه امتیاز خاصی برای طبقه خاصی قائل شوید. در این صورت چگونه ممکن است تصور کرد در کنگره‌های که اکثریت آنرا مثلاً دهقانان تشکیل می‌دهند، حاکمیت کارگری و اندیشه‌های سوسیالیستی پیش رود. این را برای این می‌گویم که بگویم چرا من قبول ندارم نظام سوسیالیستی در شکل شورایی معنی پیدا می‌کند. البته بحث در این مورد به اندازه کافی صورت نگرفته (منظورم در سازمان خودمان است) اما بهر صورت ما باید از اشکال شناخته شده شروع کنیم و در جریان تکامل مبارزه طبقاتی، اشکالی که از درون مبارزه طبقاتی و از دینامیس درونی آن بیرون می‌آید در جریان عمل (و نه فقط در یک دوره کوتاه انقلابی) هم ساله حل می‌کنند. آیا تکامل مبارزه مطرح و روی آن تاکید داشته باشیم. من معتقدم در جامعه ایران از گانه‌های شورایی بطور عام باید نقش کنترل و نظارت به‌عنوان داشته باشند.

س - سوال آخر این است که چشم انداز جنبش جهانی کمونیستی را طی سالهای آینده چگونه می‌بینی؟
ج - من قبلاً گفتم که انقلاب در سطح جهانی طی دهه هشتاد در حال عقب نشینی بود. این عقب نشینی اکنون نیز ادامه دارد و بستگی به عوامل مختلفی ممکن است متوقف یا امتداد یابد. گفتم که علت این امر، تحولات داخلی در کشورهای سوسیالیستی نبوده بلکه خود این تحولات و یک سلسله مسائل دیگر جهانی و منجمده تعرض ارتجاع جهانی در دهه هشتاد، معلول اول وضعیت مشخصی بود که امپریالیسم در این دهه بخود گرفت و در ثانی ناتوانی نیروهای انقلابی در ساختن جامعه پیشرفته در کشورهایی که در آنها انقلاب صورت گرفت. مادیون نرفته که ویشام وقتی برای آزادی می‌جنگید، چه نیروی علمی را در سطح جهانی به حمایت خود برانگیزد. ما پس از کسب قدرت دیدیم که مسائلی در آنجا پیش آمد، که تاثیرات منفی زیادی در سطح جهانی داشت. بهر حال در شرایط تعرض جهانی ارتجاع، تحولاتی در کشورهای سوسیالیستی صورت می‌گیرد. در وهله اول بلا تردید سود جریانات راست و در مجموع سود ارتجاع جهانی است. اما باید بلافاصله اضافه کنم که از این حرف اگر اینگونه نتیجه گیری شود که اگر این تحولات در کشورهای سوسیالیستی صورت نمی‌گرفت، سود انقلاب جهانی نبود، من این نتیجه گیری را رد می‌کنم. ببینید اگر تجربه نشان داد که سوسیالیسم را نمی‌توان باز رو قشار ساخت. اگر تجربه نشان داد که هر دولتی کردن به معنی پیشرفت در تکامل اقتصادی و تأمین رفاه مردم نیست، اگر تجربه بی خاصیت بودن بعضی تئوری‌ها که عملاً در مقابل علم می‌ایستادند را ثابت کرده و اگر تجربه دهها حقیقت دیگر را برای ما روشن می‌کند و این تحولات کمک کرده که بردها بالا رود و حقیقت به تمامی خود را نشان

بیانیه عفو بین الملل در محکومیت رژیم خمینی

از صفحه ۱

یکی از اعضای آن است، به دلیل ماهیت ممتاز آن در مقابل کمیسیون، نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

عفو بین الملل در مقدمه این بیان نامه می‌گوید: "در طول سال ۱۹۹۱ تجاوزهای جدی به حقوق بشر، از جمله، اعدام های جمعی، بازداشت های سیاسی "خود کانه، محاکمات غیر عادلانه و شکنجه، بی پروا و بیلا انتقاع فر ایران ادامه داشته است."

عفو بین الملل بیش از ۷۵۰ مورد اعدام را در سوابق خود به ثبت رساند که اکثریت آنها بنابر گزارش های مطبوعات ایران برای جرایم عادی، به ویژه قاچاق مواد مخدر بوده است. از منابع دیگر گزارش رسیده که در حدود ۵۰ مورد اعدام به دلایل سیاسی نیز انجام گرفته است.

"در ماه اکتبر ۱۹۹۱، به عفو بین الملل خبر رسید که بیش از بیست نفر از اعضای یکی از طوایف بلوچ را بلافاصله پس از بازداشت مرز اعدام کرده اند. سایر زندانیان سیاسی اعدام شده از جمله شامل اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران می‌شوند. عفو بین الملل در سراسر سال بسیاری یابان دامن به اعدام در ایران، تلاش و مبارزه کرده است. ونگرانی خاص خود را درباره تعدادی بسیار گسترده اعدامها و نبودن عدم رعایت تضمینهای اساسی برای حفظ حقوق متهمین و بی‌گناهان خواست اعدامها را از گذشته است. در طول سال ۱۹۹۱ صد هزار زندانی سیاسی، از جمله زندانیان و کودکان، در زندان ماندند، جدا نگر دیگر نیز پس از تظاهرات جمعی و نا آرامی های عمومی، بازداشت و زندانی شدند. برخی بدون اعلام اتهام انجام و محاکمه در بازداشت ماندند. دیگران، پس از محاکمات غیر عادلانه سیری و محروم از حق داشتن وکیل، به زندان محکوم شدند."

لازم به گفتن است که با افزایش تعداد اعضای کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و گسترش آن به ۵۲ عضو و زود بودنهای رژیم خمینی، با کشورهای که خود ناقص حقوق بشرند، دولت حاکم در ایران با آنکه قسریار مجرمیتش سالهاست در ملل متحد مادر شده است، یکی از ده کشور جدیدی بود که به قول معاون رئیس جمهور آمریکا "در مسند هیات منصفه" قرار گرفت. برخلاف "زیر کمیسیون (کمیسیون فرعی) ملل متحد برای رفع تبعیض و علیه جرم ژنوسید" که از کارشناسان معتبر حقوق بشر به سمت شخصی آنها ترکیب شده است، ترکیب کمیسیون حقوق بشر از دولتها و نمایندگان آنها است و بار اول نیست که کشورهای ناقص حقوق بشر در کرسی عضویت آن قرار می‌گیرند و حتی در مسند نیابت ریاست آن مانند ناصری دیپلمات - تروریست رژیم خمینی، جلوس می‌کنند. انتخاب ناصری به سمت نایب رئیس آسیایی کمیسیون به دلیل زود بودن سنش نماینده قبرس بود که لحظه آخر از کاندیداتوری خود صرف نظر کرد و محل را برای یگانگی کاندیدای دیگر خالی گذاشت. این انتخاب مورد اعتراض محافل جدی طرفدار حقوق بشر از جمله مسئول شورای ملی مقاومت قرار گرفت که خواستار اخراج تروریست هاز مرکز حقوق

بشر ملل متحد است. با آنکه بهر صورت عضویت در هیات ریشه تشریفاتی است و به نوبت نعیب تمام اعضای کمیسیون می‌شود، انتخاب نماینده رژیم بی آب و رو، ايجاب کرد که متولیان ملل متحد هر یک به صورتی از آن فاصله بگیرند. بطوریکه معاون رئیس جمهور آمریکا که به دلایل دیگری به اروپا آمده بود، در روز دوشنبه دهم فوریه شخصا در مسند نمایندگی دولت ممالک متحده در کمیسیون حقوق بشر حاضر شد و حضور رژیم خمینی و نماینده تروریست آن را نقض

غرض و توجیهی به مرکز حقوق بشر ملل متحد خواند و به عنوان یکی از معدود کشورهایی که در لیست سیاه حقوق بشر قرار گرفته اند و تجاوزاتشان به حقوق بشر تحت بررسی است تاکید کرد که وقتی "تکرار مجرمیت برای کسی مادر شود، او دیگر نباید در مسند هیات منصفه قرار گیرد."

به علاوه، عفو بین الملل در شماره اخیر (فوریه ۱۹۹۲) بولتن خبری ماهانه خود، تحت عنوان "ایران: بیش از ۷۵۰ نفر در سال ۱۹۹۱ اعدام شده اند" تداوم کثیر و سرسام آور اعمال مجازات اعدام را با بیان "نگرانی عمیق" محکوم کرده است. این اعدام ها که هنوز هم بطور روزمره بافتگی در شکنجهگاههای رژیم خونخوار جمهوری اسلامی بدون رسیدگی و محاکمه عادلانه و رعایت حق دفاع انجام می‌شود، صرف نظر از هرگونه اتهامی که، درست یا نادرست، متوجه قربانیان باشد، از لحاظ حقوقی و حتی قوانین مکتوب همین رژیم، به منزله قتل عمد است. مسئولیت این جنایات و کشتارهای خودکامه به عنوان قاتل، مستقیما متوجه سران درجه اول رژیم خمینی و بازماندگان او از قبیل شیخ اکبر رنجانی و سید علی خامنه‌ای است که برای رعایت شریعت و رضایت امت و حفظ قدرت، جز جنایت و خونریزی و توسل به تروریسم، به دلیل ماهیت واپس گرا و عقب مانده خود، انتخاب دیگری ندارند. این جانبان، حتی در شرایطی که برای زود نام خود از صدر لیست کشورهای تروریست که مانع نزدیک شدن آنها با "شیطان بزرگ" است، به هر دری می‌زنند، باز هم ناچارند به ترور مخالفان در خارج از کشور ادامه دهند و حتی وزیر خارجه شان در سالگرد صدور حکم ارتداد سلمان رشدی توسط روح الله خمینی، بسزایم لازم الاجرا بودن آن تاکید ورزد.

عفو بین الملل ضمن ابراز این محکومیت نسبت به کشتاری که ۱۷ اقل (شامل) ۷۵۰ نفر در سال ۱۹۹۱ "شده است تاکید می‌ورزد که "با مجازات اعدام در تمام موارد مخالف است و نگرانی عمیق خود را نسبت به تداوم اعمال مجازات اعدام در ایران، که با رقیمی عظیم انجام می‌شود، ابراز می‌دارد. به علاوه، این سازمان متذکر آن است که محاکماتی که منتهی به صدور حکم اعدام می‌شود، نیز نگران است، زیرا در این محاکمات، معیارها و آیین شناخته شده بین المللی برای تضمین رسیدگی عادلانه، رعایت نمی‌شود. به صورتی که در رسیدگی های مربوط به قاچاق مواد مخدر، فاصله بین بازداشت متهم و انجام اعدام، می‌تواند بیش از چند روز نباشد." برخلاف تبلیغات گوشخراش دستگاههای تبلیغاتی رژیم خمینی اعدام و سرکوب سیستماتیک بصورت روزانه در ایران ادامه دارد رژیم خمینی در مقابل محکومیت های بی دریبی سازمان های طرفدار حقوق بشر هر روز رسواتر می‌شود.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت از صفحه ۶

و سر جمیع مقاومت ایران گردید و افزود برای اطلاع جامعه بین المللی از انعقاد نقش حقوق بشر در ایران مسافرت های کوتاهی که دیدارهای آن اساسا توسط خود ملایان برنامه ریزی شده و عمده اوقات رانیز خود آنها بر می‌کنند هرگز کافی نیست.

آقای مسعود جوی از دبیرکل ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر خواست که برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران مجددا و هر چه سریعتر یک هیئت نظارت بین المللی از سوی کمیسیون حقوق بشر با همراهی نمایندگان مقاومت ایران و اعلام قبلی به مردم ایران و سایر خودرادی از حق مراجعه و ارتباطات آزاد و حسن با زدید از کلیه زندانیان

و شکنجه گاهها و گورهای دستجمعی عازم ایران شود. آقای مسعود جوی تاکید کرد زمان آن رسیده است که جامعه بین المللی و سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر در قبال رژیمی که دامنه تروریسم و صدور "بنیادگرایی" آن به سایر کشورها و ترور و قتل اتبناغ خارجی را هم در بر می‌گیرد، به تصمیم گیری و اقدامات عاجل و جدی از جمله دست یازیدن به یک قطعنامه لازم الاجرای شورای امنیت ملل متحد مبادرت ورزد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۹ بهمن ۱۳۷۰

فاجعه ارتجاع

از صفحه ۸
خودکشی را ندارند، اما اگر یک موقع سرغیرت آمدند، خودکشی کنند تا جامعه از شر آنان خلاص شود. البته می‌کنانی را دیده‌ام که در عین اعتیاد به مواد مخدر، انسانهای شریفی بوده‌اند و برای اینکه این لکه ننگ را از دامان خانواده خود بشویند، اقدام به خودکشی کرده‌اند. در سخنان این جنایتکار کشته‌ای که قابل توجه می‌باشد، بی اعتقادی وی به دستورات مذهب مورد ادعایش در حرام بودن خودکشی است و نشان می‌دهد که منافع مادی و دنیوی خود را بر هر چیزی ترجیح می‌دهند و بر مبنای فتوای امام جنایتکارشان حفظ دولت را بر همه چیز حتی مذهب که این همه برای آن شکم پاره می‌کنند ارجح می‌دانند.

در رژیم خمینی معتادین و دیگر قربانیان سیستم از دید این جانبان فقط شایسته مرگ هستند تا نتوانند شهادی برسایه‌کاری های این رژیم باشند. ابعاد فاجعه ارتجاع در میهنمان و تأثیرات مخرب اجتماعی - فرهنگی همه جانبه آن بسیار گسترده بوده و مسلما در آینده نتایج زیانبار خود را بر جای خواهد گذاشت. برای چاره جویی این فاجعه، اول باید ریشه فساد را که رژیم قرون وسطایی خمینی است خشکانند.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



در رابطه با کودتای نافرجام ۱۱ اوت در اتحاد جماهیر شوروی سابق نشریه اشپیکل چاپ آلمان بعضی از اسناد مربوط به بازجویی از سران کودتای آبه چاپ رساننده است. نبرد خلق ترجمه این اسناد را در چند شماره برای اطلاع خوانندگان منتشر می‌کند.

(۲)

بازجویی اورژیس ک ۰ که ۰ ب ۰ ولادیمیر کریچکف
در تاریخ ۲۲ اگوست

بازیرس: می‌توانید لطفاً با فکتر جزئیات بگوئید که چه موقع، تحت چه شرایطی و با چه کسی تصمیم گرفته شد برای ملاقات با پرزیدنت به کریمه پرواز شود؟

کریچکف: ما می‌خواستیم به گریچاف مذاکره کنیم که ما در مدت سفری به کریمه به این نتیجه رسیده‌ایم که در کشور همه کارها خوابیده است. بعنوان مثال، غله‌ای در کار نیست، چغندر قند هم همینطور، بی مسئولیتی مطلق، هیچ کالایی تحویل نمی‌شود، و اگر اکنون اقدامات سریعی برای تسکین بخشیدن به حکومت انجام نشود، بزودی باید روی بسک فروپاشی حساب کنیم. ما می‌خواستیم آگاه کنیم. سپس قصد داشتیم موضع گریچاف در این رابطه را بشنویم و بعد بر این نظر بودیم که باید اقداماتی بمنظور ثبات دهی انجام داد. این اقدامات شدید بودند اما ما راه دیگری ندیدیم. ما می‌خواستیم برای اینکه کارگران کار داشته باشند، برای اینکه کارخانه‌های کمتری بخواهند همه نیرویمان را بگذاریم، وضعیت به نظر ما آنچنان بحرانی بود که تا سپتامبر، اکتبر دیگر از کنترل خارج می‌شد. ما می‌خواستیم به گریچاف پیشنهاد کنیم برای مدتی از مسئولیت هاش کناره بگیرد و سپس اگر خواست برگردد...

سوال: شما می‌خواستید به او پیشنهاد کنید که استعفاش را اعلام کند؟
ج: که موقتا اختیار اتش را به معاون رئیس جمهور آقای یانایف واگذار نماید. اما ما می‌دانستیم که گریچاف بزودی بازمی‌گردد. او می‌بایست ترهنگام امضای قرارداد اتحاد حضور داشته باشد. بنابراین ماده ۱۲۷ شماره ۷ اومی‌توانست اختیار اتش را داوطلبانه به کس دیگری واگذار کند.
سوال: بنابراین قشیه به بیماری مربوط نمی‌شد. گریچاف از منتقل کردن اختیار اتش به کس دیگر خودداری کرد.

کریچکف: او گفت شما می‌توانید تلاش کنید، اما موفق نخواهید شد. او همچنین گفت احساس می‌کنند حالش خوب نیست. اما طبیعی است که امروز هر کسی می‌تواند بگوید که احوالش خوب است.

سوال: در آنجا (نزول لادگب) یلخائف می‌بایست محافظین شخصی پرزیدنت را با ما موران خودش عوض کند؟
کریچکف: ما ارتباطات را قطع کردیم تا بدینوسیله بنابه شیوهی خودمان نظم را برقرار کنیم، و همچنین کار ساحلی را تقویت نمودیم.
سوال: وقتی که انسان حرفهای شمارا می‌شنود، به نظر کمی ساده لوحانه می‌رسد انگار چند جوان دور هم جمع شده باشند و بخواهند بازی کنند.
کریچکف: این قطع ارتباطات و تغییر افراد، خودشان مواردی هستند که بر قانون پیش بینسی شده‌اند.

سوال: در شرایطی که گریچاف موافقت نمی‌کرد...
جواب: در چنین صورتی قرار بود مادر مسکو یکبار دیگر راجع به همه چیز صحبت کنیم.

سوال: چه کسی به گریچاف اطلاع داد که ارتباطات قطع و محافظین باید عوض شوند؟
جواب: عوض نه، قرار ما این بود که حفاظت بایست تقویت شود... محوطه بزرگ نیست.

سوال: آیا شما دربارهی ایزوله کردن گریچاف صحبت شده بود؟
جواب: من دوباره می‌گویم، محوطه بزرگ نیست ایزوله کردن بیجوده نبود.

سوال: آیا اگر می‌خواست می‌توانست به مسکو بیاکف برود؟
جواب: نه، اگر یک چنین خواسته‌ای می‌داشت، این امکان به اولادو نمی‌شد، در نوزدهم ما بیستم خبر...
سوال: آیا می‌توانید توضیح بدهید ایزوله شده بود؟
جواب: البته، بله.

سوال: پس چرا ما اینقدر مسئله را می‌پنجانیم؟
جواب: بله، در این زمان ما ارتباطات را بلوک کرده و ایزوله کرده بودیم، درست است، ما امکان تحریک وی در این محوطه را محدود کرده بودیم.
سوال: چه کسی این تصمیم را گرفت؟
جواب: همه ما.

سوال: و بویژه دستگاه شما؟ آیا شما به یلخائف دستور دادید؟
جواب: بله، من شخما.
سوال: چگونه ارتباطات قطع شد؟
جواب: من به مسئول بخش دستور دادم.
سوال: چه موقع این دستور را دادید؟
جواب: روز هجدهم، عصر بود.

سوال: به آقای لیبایدآنانتولی کثور گویوخ، او از قشیه آگاه بود؟
جواب: نه، اطلاع نداشت. ما فقط به او گفتیم ارتباطات را قطع کند و نه چیز دیگری.
سوال: آیا او مجبور بود این دستور را اجرا کند؟
جواب: معلوم است که مجبور بود، این جزو شغل ساست.

سوال: اما قشیه مربوط به یک رئیس جمهور می‌شد به یک فرمانده کل قوا.
جواب: او از طرف من دستور داشت، از این جهت می‌بایست آنرا اجرا کند.
سوال: از نظر مقررات اومی‌بایست به رئیس شورای عالی یا کس دیگری مراجعه می‌کرد.

جواب: نه، دستور من در این گونه موارد کافی است.
سوال: شما گفتید که با گریچاف صحبت کردید، اوضاع را تشریح نمودید و در آغاز، گفتگو تقریباً تند بود...
جواب: سپس ما از او خواهش کردیم وضعیست فوق العاده برقرار کرده، قدرت را به یانایف واگذار نماید و سپس دوباره بازگردد. ابتدا او واکنش تنیدی نشان داد. بعد آرام شد اما موضع او این بود که هرگز چنین کاری را نایند نخواهد کرد. قشیه این نبود که از پرزیدنت کاملاً خلع قدرت شود. این خیلی مهم است که در این باره در هیچ مذاکره‌ای صحبت نشده...

سوال: منظورتان حذف فیزیکی است؟
جواب: ببینید، آنچه که اکنون منظور شماست را ما با ایدها در نظر نداشته و در باره‌اش صحبت نکرده‌ایم. مسئله این نبود، گریچاف می‌بایست زنده می‌ماند. وقتی که بحث راجع به یانایف بود همه ما مطبوعاً می‌توانستیم بخوبی تصور کنیم که این مسئله فقط برای یک مدت کوتاه است. ما همچنین سریعا دریافتیم که اگر درگیری یا چیزی شبیه این پیش بیاید ناچاریم بلا درنگ استعفا کرده بایم. راه کاملاً متفاوت دیگری را پیش بگیریم.

سوال: آیا دستور فحاشی یا کتبی مبنی بر حمله به کاخ سفید (مقر بلتسین) وجود داشت؟ آیا آنها (بلتسین و اطرافیان) اصلاً مذاکره می‌شد؟
جواب: گمشده ما، یک قدم، یک حرکت انجام نداد که به شکلی علیه رهبری روسیه بازو سیه باشد. ما بر این امر واقف بودیم که اینجا هیچ نیرویی کفایت نمی‌کند.

سوال: آیا با حرکت بلتسین از (ادجای او) آرخان نکلکویه به سمت مسکو ممانعت بعمل آمد؟
جواب: به هیچ عنوان ما می‌دانستیم که او حرکت می‌کند، البته او را تحت نظر داشتیم اما در جریان بودیم.
سوال: آیا نیروهای مسلح تان را بکار گرفتند؟
جواب: مادر مسکو حفاظت کرملین را تقویت کرده بودیم. این کار را در تاریخ نوزدهم انجام داده بودیم و در شب نوزدهم عملیاتا خیر انجام دادیم. ما مادگی نداشتیم و صبح هیچ دستوری ندادیم. همه چیز به تعویق افتاد. آنچه که ما می‌خواستیم در تاریخ نوزدهم ساعت ۴ انجام بدهیم مسر نشد. سپس آنرا بعداً اجرا کردیم. شما می‌گوئید مردم مخالف بودند و از این حرفها. واکنش مردم دو مرحله داشت، اولین آن به نحوی اعتماد بود، محرک امید بود، یعنی از فرمانهای اعتصاب تبعیت نشد. چهار کارخانه در جمهوری کُسی و در سوردلوسک بنحوی اعتماد کردند. در روستاها واکنش خیلی آرامتر از آن چیزی بود که می‌توان تصورش را کرد. اما روز بعد وضعیت شدیدتر شد و سواز هم نه در بخش صنعت که همه بحث هاراجع به آن بود بلکه در تجمعات بزرگترین آنها در لنینگراد بود که برای آن دلالتی وجود دارد و کسی هم شعیف تر در همین رابطه در مسکو بود. در مجموع ۱۶۰ هزار نفر تظاهر کننده بودند.

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

سوال: آیا دستور محرمانه یا فحاشی ای از جانب شما برای دستگیری رهبران روسیه وجود داشت؟

پرزیدنت باید خلع‌ید بشود نرسیدم من گناه من را در این جرم از این زاویه می‌بینم که چون تنه‌اره ممکن بود در آن شرکت کردم شاید موظف بودم پرزیدنت را در این رابطه آگاه کنم در روز یکشنبه، هجدهم منتمم گرفتیم که باید پنج نفر به سمت اقامتگاه او پرواز کنند تا با اوراق به استعفا ی داوطلبانه اش از مقام ریاست جمهوری و جانشینی معاون رئیس جمهور یانایف محبت کنند من ستاسفانه مانایف را نمی‌شناختم من عملاً از این امر حمایت کردم بدون آنکه از جزئیاتش آگاهی داشته باشم این چیزی است که اکنون قویا از آن پشیمانم این امر یک اشتباه فاحش بود

سوال: این برای یک دولت مرد که وزیر دفاع است، ساده لوحانه بنظر می‌رسد.

یازف: ما قبلاً در سطحهای مختلف با هم بوده ایم، اغلب در این باره صحبت کرده بودیم، بیشتر این رفتارها حضور داشتند که یکجف مسئول کمیته دولتی امنیت لک - کد - ب، با کلاشف، منشی کمیته مرکزی (ج ک ش - س) بلدین، منشی نه، بلدین منشی نیست، او مسئول بخش است، درباره وضعیت کشور گفتگو می‌شد، اینکه حزب در حال از هم پاشیدن است، اقتصاد همینطور، ما مقروض می‌شویم، مردم بتدریج فقیرتر می‌شوند، یکنفر بالاخره، باید مسئولیت اینها را بپذیرد و مردم و کشور را هم پیش برود سپس بطور اجتناب ناپذیر به این مسئله رسیده شد که گناحان متوجه پرزیدنت است زیرا او از حزب فاصله گرفته بود، یکنفر گفت او ارتش را بحال خود رها کرده ...

سوال: ... می‌توانید مشخصاً بگوئید که چه کسی این را گفت؟

یازف: نه، اما اینگونه بحث هایی بودند همه چیز از اینجا ناشی می‌شه که گریباچف طی سالهای اخیر کفرهای زیادی به خارج کرد و اغلب ما با ستاسفاندا نمی‌دانستیم در رابطه با چه مسائل مهمی صحبت کرده است، بعنوان مثال بهانه گریباچف در اجلاس گروه ۷ در لندن، کنفرانس جهانی اقتصاد کشورهای صنعتی غرب، هیچکدام از ما نمی‌دانستیم او چیه سخنرانی هایی کرده، تا این مقطع حداقل همیشه در دفتر سیاسی راجعه به همه چیز بحث می‌کردیم یا در شورای ریاست جمهوری یا در شورای امنیت.

سوال: آیا آنزمان که همه چیز سطحی طرح می‌شد بهتر بود.

یازف: بله، شاید این سازنده نباشد اما راجعه به همه چیز جمعی تصمیم گرفته می‌شد، وقتش فقط یکنفر تصمیم بگیرد آنوقت قضیه اینگونه می‌شود، البته که ما حاضر نبودیم يك وابستگی بزرگ به امریکاز نظر سیاسی، اقتصادی و همچنین نظامی را بپذیریم.

سوال: چگونه به تصمیم مذکور (گودتا) رسیدید؟

یازف: يك توطئه بانقشه‌ای وجود داشت، روز شنبه با هم جمع شدیم، نه حتی يك هفته قبلیش.

سوال: چه کسی دعوت کرده بود؟

یازف: کریچکف سوال: کجا جمع شدید؟

یازف: در یک قرارگاه در مسکو، در انتهای آراگاه لندن، در سمت چپ يك پست پلیس راهمایی، سمت چپ يك خیابان قرار دارد، ۰۰۰۰ خیلی ساده در میان ساعت کار کریچکف، تلفن زد و گفت ما باید گفتگو کنیم من به آنجا رفتم، سپس (منشی کمیته مرکزی) شنید

چیزی درباره این اتهام می‌گوئید.

یازف: من از خیانت بزرگ تصور دیگری دارم که این راهم در اینجا نمی‌خواهم محق کنم، خیانت سه پرزیدنت وارد است، اما من به میهنم به سرزمینم خیانت نکرده‌ام، من سالها در اراست که آقای گوریباچف را می‌شناختم، ما با هم کار کرده ایم، با هم مشکلات بسیاری را حل نموده ایم، گاهش و اکتشای میان برد و دور برد، سلاحهای استراتژیک تهاجمی، زمانسی که راجعه به مسائل نظامی تصمیم گرفته می‌شد، ما آنرا در رابطه با اقتصادمان می‌دیدیم، توان نیروهای نظامی ما بدین دلیل نمی‌بایست کاهش می‌یافت.

باز پرس: در این بازجویی يك دوربین ویشوی از نوع پاناسونیک بکار گرفته شده، ما از مارشال فرسوسه "ستیج" در محدوده مسکو بازجویی می‌کنیم، ما این بازجویی را در ۲۲ اگوست ۱۹۹۱ ساعت ۲۰ دقیقه شروع می‌کنیم.

یازف: من شخصاً علاقه زیادی به گریباچف دارم برای اینکه من علیه فرمانده کل قوا قدهلم کنم می‌باید دلایل جدی وجود داشته باشد، مرتزدها بسیاری از جمله من احساسات منفی متراکم شده بودند، به این شواهد اشاره می‌کنم که استانداردها زندگی مردم ماتسزل می‌یافت، اقتصاد به سطح مغرور سیده بود، درگیری های ملی مرتب شدیدتر می‌شدند، درگیری میان جمهوری ها ... در بین جمع معینی از رهبران حزب بحث هایی جریان داشت، بتدریج به این نتیجه رسیده شد که آقای گریباچف بعنوان رئیس جمهور ناتوان شده است، می‌تواند چیزی نمی‌کرد که او باخته است یاد پیگیر هدفمند نیست، علاوه بر این سیاست اقتصادی او بر این مینابود که وام التماس می‌کرد، فرضی بالاسی آورد و برای اقتصاد داخل کشور کامهای کوچکی بر می‌داشت.

مادر این باره در کمیته مرکزی با من مشاوره سرگوبیچ صحبت کردیم، در نشست مجمع عالی شوراهای ما این روند با هم بی گرفته شد که از طریق سیاست خارجی مشکلات داخلی کشور نپیدا ختم، مکانیزم اقتصادی ما کاملاً کپشه شده و کشورمان را تا مرز ویرانی پیش برده، اینرا می‌خواستیم بدینوسیله گفته باشم، در ۲۰ اگوست قرار بود قرارداد اتحاد امضاء بشود، برای من شخصاً و بسیاری دیگر از رفقای که با آنها صحبت کردم سه یکباره روشن شد که با این حرکت فروپاشی اتحاد، بدون برگشت به سوی ما می‌آید، همه به نفع يك اتحاد از جمهوری های شوروی سوسیالیستی رای داده بودند و اکنون يك طرح اتحاد آمده که در آن از حکومتهای مستقل صحبت می‌شود، اعتقاد ما بر این بود: اینجا دیگر صحبت از يك اشتباه نیست بلکه بطور هدفمند در این جهت حرکت می‌شود که دیگر اتحاد شوروی در کار نباشد بلکه فدراسیونی از جمهوری ها بارش جمهوری خودشان بوجود بیاید.

سوال: اما ما می‌خواهیم به موضوع برگردیم، شما بدون حمایت آقای گوریباچف وزیر دفاع نمی‌شدید و اکنون به یکباره تصمیم می‌گیرید از او خلع قدرت کنید اما شما به پرزیدنت، به پارلمان، به مردم سوگند خورده‌اید، اهدافتان را شما اکنون بطور خلاصه تشریح کردید که چرا به خلع پرزیدنت و آنهم از مجرای يك عمل شد قانون اساسی معتقد شدید.

یازف: من هیچگاه به يك چنین نتیجه‌ای گسه

جواب: نه، يك چنین چیزی وجود نداشت.

سوال: به شما از طرف رهبری روسیه تلفن زده شد؟

جواب: و من اکنون می‌توانم به شما بگویم که جواب من چه بود، ما می‌دانستیم که در کاخ سفید تعداد معینی افراد مسلح وجود دارند، من اجازه ندارم این رقم را ذکر کنم، برای این مشخص خواهد شد، آنجا افرادی بودند که بنا بر این خوب آمده بودند، من فکر می‌کنم روش برخورد درست هم همین بود، اما کما فی السابق هم بودند که فقط می‌خواستند از وضعیت سوء استفاده کنند.

سوال: اما دولت روسیه، پارلمان از شما خواهش کردند که حفاظت را تقویت کنید؟

جواب: نه، باید از پلیس سوال شود، ما آنجا حضور نداشتیم، اما به ما دانش تلفن زده می‌شد، همین حالا جمله می‌شود، من مرتب می‌گفتم شما می‌توانید آرام بخواهید و همچنین بگذارید دیگران نیز بخواهند ...

سوال: افرادی گرد کاخ سفید بودند که می‌خواستند از ساختمان حفاظت کنند، چرا آنها باید نگران بوده باشند؟

جواب: بله، علیه نفرهای زره پوش تیراندازی شده اگر این عمل روی نمی‌داد، تا نگه نیز جواب نمی‌داند.

سوال: این سوال نبود، شما را پیشاپیش برنامه ریزی می‌کنید.

جواب: شما را برنامه ریزی می‌کنیم، من فکر می‌کنم بهترین است که ما در فرم سوال و جواب پیش برویم، ... در تاریخ بیست و یکم کلیه نیروهای نظامی از مسکو عقب کشیده شدند.

سوال: چرا؟

جواب: زیرا ما دیده بودیم که مسئله می‌تواند به سمت يك بحران شدید پیش برود، و ما می‌خواستیم در روز بیست و یکم به هر صورتی از تشدید اوضاع خودداری کنیم.

سوال: آیا اینگونه نبود که شما بدید نقشه‌تان بکلی درهم شکسته شده است؟

جواب: بطور کامل درهم شکسته نشده بود، این امر آشکارا نشان داد که نظم، نظم است و می‌شود نظم بوجود آورد، تمام کارخانهها کار می‌کردند و وضعیت فوق العاده بد ما ثابت کرد که نباید هیچ جا وضعیت فوق العاده برقرار کرد، نه در آسیای میانه و نه در جمهوری ها، جمهوری ها به ماتلفن زدند و سوال کردند: آیا ما باید وضعیت فوق العاده اعلام کنیم؟ در جواب می‌گفتم: اگر وضعیت آرام است، پس بسندان احتیاجی ندارید.

(۳)

" من این ماجرا جویی را محکوم می‌کنم "

بازجویی از مارشال دیمیتری یازف در تاریخ ...

۲۲ اگوست

باز پرس: بازجویی بوسیله لیگائف و سیچف انجام می‌شود، ما از وزیر سابق دفاع اتحاد شوروی مارشال دیمیتری تیمووفویچ یازف بازجویی می‌کنیم، من توضیح می‌دهم، شما بخاطر شرکت در تهاجمی ای که ما آنرا بزرگترین خیانت قلمداد می‌کنیم یعنی توطئه باهدف کسب قدرت و سوء استفاده از اختیارات انسان بازجویی می‌شوید، می‌خواهم از شما بپرسم که چه



آمد، بعد باکلانف... و سپس مطرح شد: آیا می‌خواهید نزد گریباچف رفته و با او صحبت کنیم؟

سوال: چرا با این عجله؟ چون به امضای قرار داد اتحاد زمان کوتاهی مانده بود؟

یازف: یقیناً، زیرا ما از این طرح ناراضی بودیم و می‌دانستیم که حکومت از هم می‌پاشد، من گفتم بیلک هوایسا مرا اختیار می‌گذارم و پنج نفر از چاکالو بکویه پرواز می‌کنند: شنین، (معاون یازف) و ارتیکف، بلدین، پلخانف و (معاون یازف) باکلانف. پلخانف کسی است که کلیه سیستم حفاظتی آنها را می‌شناخت، من می‌دانستم که او از طرف گریباچف مأموریت داشت که تمام سیستم حفاظتی آنجا را اعرض کند.

سوال: هدف چه بود؟

یازف: تلاش برای قانع کردن او و اگر نمی‌پذیرفت می‌بایست تدابیر تعیین کننده‌ای اتخاذ کرد.

سوال: چه کسی این نقشه را طرح کرده بود؟ ملاقات با گریباچف - قانع کردن او و سپس قطع ارتباطات، تغییر محافطین؟

یازف: فکرمی‌کنم این یک تصمیم جمعی بود، من همیشه نسبت به این که آیا می‌بایست یک چنین کاری بشود تردید داشتم، زمانی که آنها بازگشتند ما در گرمین بودیم، در کابینه نخست وزیر پاولف.

سوال: خوب، شما، پاولف و دیگر چه کسی؟ آیا یازف یا نایف هم بود؟

یازف: بله او در حدود ساعت هفت یا هشت ملحق شد، پس از بازگشت آن پنج نفر، آنها حدود ساعت ۱۱ برگشتند... زمانی که فرستادگان از نزد گریباچف بازگشتند باقی‌مانده‌هایی تقریباً عمیقانی، کمیته تشکیل داده شد و آنها را عملاً بیرون کرده بود. وظیفه گفتگو اظهار کرده بود: اکنون شما باید خودتان برای آنچه که می‌کنید، تصمیم بگیرید. زمانی که آنها گزارش دادند کارشان تقریباً به اتمام رسید، و اینکه اینده مذکور (و اما اگر من گریباچف به استعفا) دیگر عملی نیست، مشخص شد. یانایف می‌بایست سندی را امضا کند و چون گریباچف بیمار نیست می‌بایست او را ابتداء به عنوان بیمار قلمداد کنیم. اینجا برایمان روشن بود که طرح اولیه‌ی ما در هم شکسته شد.

سوال: کمیته دولتی چگونه به برقراری وضعیت فوق العاده رای داد؟

یازف: ما در نزد پاولف نشسته بودیم، یانایف حدود ساعت ۹ آنجا بود و سپس (رئیس پارلمان) لوکیانف آمد، با هوایسا... او احضار شده... در تعطیلات بر سر می‌برد. لوکیانف گفت: من نمی‌توانم عضو این یا آن بشوم، من رئیس مجمع عالی شوراهای شوروی هستم، این ارگان قانون گذاری است که همه‌کس، همه چیز زیر نظر اوست، تنها کاری که می‌توانم بکنم این است که بیانه‌ای را راجع به زیر پا گذاشته شدن قانون اساسی که با امضای قرارداد اتحاد در هر صورت پیش خواهد آمد، صادر کنم و سپس اورفت... یانایف در این مقطع زمان تقریباً مست بود، یعنی به نحوی سر حال بود.

سوال: و گریباچف، آیا او هم مست بود؟

یازف: (وزیر کشور) بوگو، من و گریباچف، ما به بوگو گفتیم: ما افرادی را پیش گریباچف فرستادیم اما او

یک ساعت تمام از پذیرفتن آنها خودداری کرد... او، هر همان لحظه همراه خود یک پزشک داشت و اگر گریباچف موافق است، یانایف برای یک مدت زمان وظایف ریاست جمهوری را بعهده می‌گیرد.

سوال: و اگر نه؟

یازف: آنچه که اکنون منظور شماست یعنی از بین بردن، اعدام یا غیره، در این باره هرگز صحبت نشد. حدود ساعت ۲۳ وزیر خارجه، بسمرتیخ هم آمد و گفت: اگر شما را نیز قاطبی خودتان بکنید در آن صورت تمام موفقیت‌های خارجی ماتام شده محسوب می‌شود. من حدود ساعت ۲۲ الی نیمه در خانه‌ام دریا کفگابوم. در ساعت ۵/۵ از خواب بیدار شدم و به محل خدمت رفتم.

سوال: آیا دستوراتی نیز صادر کردید؟

یازف: نه، عصر هیچ دستوری، تازمانی که هیچ سندی امضا نشده بود. مرکز تلویزیون از ساعت ۶ دیگر قادر به کار نبود، ما فقط به آنجا در ساعت ۶ نیروهای حفاظتی مان را فرستادیم.

سوال: چرا؟

یازف: آنجا باید اعلام می‌شد که کمیته فوق العاده تشکیل می‌شود و احتمالاً کسانی بودند که با این امر موافق نبودند.

سوال: پس چرا این آمد ما به سمت مرکز تلویزیون سرازیر می‌شوند؟ آنجا احتمالاً می‌بایست هر بخشی تحت نظر قرار می‌گرفت.

یازف: برای این کار مانفرا ت کافی نداشتم، اما برای یک‌ها و بقاء هم چرا. نیروهای نظامی تنها برای یک هدف، به خطر گسیل شدند، نظم را برقرار کردند تا بدین وسیله همه چیز قابل عمل باقی بماند.

سوال: آیا هدف این نبود که واکنش مردم آزمایش بشود و اینکه آیا آنها اکنون ترسیده‌اند یا نه؟ می‌بایست صورت مشکل حل شده بود.

یازف: نه، دولت لنین برای یک شهر ۹ میلیون می‌داشتن و سپس روی این حساب کردن که اکنون همه می‌ترسند، ساده لوحی است.

سوال: از نظر روانی صرف لشکرکشی مذکور در نزد مردم این تردید را بوجود آورد که شاید گریباچف مریش دست‌اندل باشد.

یازف: رئیس جمهور مافردی شکست ناپذیر است و شاید لشکرکشی هم اشتباه بود. شایعات درونی بر این مبنای وجود داشت که: از رئیس جمهور شما... استفاده می‌شود، توسط یک فرهادیت می‌گردد. این شاید ما را به معنی برد که این حرکت را شروع کردیم، این ماجراجویی را.

سوال: شما گویاری این حساب باز کرده بودید که همه چیز همینطوری هم می‌شود، از شما پشتیبانی بعمل می‌آید بدون اینکه سوال گردد آیا طبق قانون اساسی یا مخالف آن است؟

یازف: خوب، این را ما در مخیله مان داشتم.

سوال: زمانی که مردم ببینند چیز غلطی در جریان است، که بپذیرند اصلاً مریش نیست و کنفرانس مطبوعاتی یانایف بعنوان مثال، کسی که آنجا جلوی دوربین نشسته...

یازف: شما البته می‌توانید مرا به هر طریقی که می‌توانید تحت فشار بگذارید، پس از آنکه یانایف این کنفرانس مطبوعاتی را بدستان لروانش داد. من گریباچف را می‌شناسم که چگونه جلوی دوربین و مردم

برخودش مسلط است - برایم روشن شد اینجا چیزی جریان دارد که پایان خوبی نخواهد داشت.

سوال: آیا شما از اینجا متوجه شدید که در بیلک رسوایی شریک شدید که باید از آن بیرون آمد؟

یازف: بله یقیناً، من مقدمات لازم را تهیه دیم. از آنجا در حقیقت سقوط آغاز شد. آنها گفتند ما می‌خواهیم دوبار در روز جمع شویم، مایکبارگرد آمدیم و روز بعد من اصلاً آنجا نرفتم.

سوال: منظور شما روز بیست و یکم است؟

یازف: بله در روز ۲۱ من شروع به عقب کشیدن نیروهایم کردم.

سوال: اگر شما پس از کنفرانس مطبوعاتی (یانایف) متوجه شدید که زیاد پیش رفته‌اید و مرتکب یک جرم شده‌اید پس چرا باز هم ادامه دادید؟ منظور من اکنون بیشتر روی تنگنا در شب بیست و یکم و این مقررات منع عبور و مرور، بر کماری یک فرماندار نظامی برای شهر است.

یازف: پیش آمد می‌باید صادقانه صحبت کنیم، من همیشه صادقانه حرف می‌زدم، زمانی که وضعیت فوق -

العاده برقرار شد، روحیه افراد آنچنان نبود که بتوان همزمان مقررات منع عبور و مرور اعلام کرد. مگر روز پس از آن، این معاون، این یانایف مقررات منع عبور و مرور را اعلام کرد. اما زمانی که وضعیت فوق العاده اعلام شد و من (زنرال) کالینین را بعنوان فرماندار نظامی منصوب کردم، او به نیروها و ابزار کاملاً متفاوتی احتیاج داشت، چرا که وضعیت فوق العاده و مقررات منع عبور و مرور دو مسئله متفاوت هستند. اینگونه شد که او تازه در عصر بیستم توانست مقررات منع عبور و مرور را اجرا کند. برای این کار به نیروهای بیشتری نیاز است و آن هم با این هوای بارانی و این وضعیت که مردم سیاسی شده بودند.

سوال: چه کسی می‌تواند به یانایف برای برقراری منع عبور و مرور رضودانده باشد و یانایف که نظامی نیست، اما حالا صادقانه.

یازف: من فقط صادقانه حرف می‌زنم. شما تلاش می‌کنید مرا پس از هر سوال دوباره در تنگنا قرار بدهید، اما من همیشه صادقانه حرف می‌زنم. او وضعیت فوق -

العاده را در مسکو برقرار کرد و کالینین، فرمانسدار نظامی منع عبور و مرور را اعلام نمود.

سوال: بر طبق رهنمود چه کسی؟

یازف: بر طبق رهنمود من.

سوال: آیا همچنین به منظور در هم شکستن نیروهایی که از کاخ سفید (مقرلیستین) محافظت می‌کردند؟ علت ظاهری موجود است، ساعت ۲۳ همه باید به خانه بروند.

یازف: اما آنها هفتاد هزار نفر بودند.

سوال: اما آنها در شهر به حرکت درآمدند.

یازف: آنها حرکت کردند اما من استفاده از اسلحه را ممنوع کرده بودم. آنها می‌بایست فقط خیابانها را بلوکه کنند.

ادامه دارد



اخبار و رویدادها....

انفجار در ورزشگاه آزادی

روز بهمن در ورزشگاه جدهزارتنگه آزادی انفجاریک نارنجک باعث زخمی شدن یکی از مسدوران رژیم گردید روزنامه ایرادر اعلام این خبر انفجار این نارنجک رابه گروهی از تماشاچیان نسبت داد که آنرا به طرف یکی از مسدوران رژیم پرتاب کردند این روزنامه در تلاشی مضحک این عمل راناشی از نادانی بعضی از جوانان که برای تماشای مسابقه فوتبال آمده بودند قلمداد کرد و آنرا امری بی اهمیت دانست ورزشگاه آزادی تهران همواره شاهد درگیری های مردم مسدوران رژیم بوده و کلیه تلاشهای پاسداران و کمیتهها در کنترل این ورزشگاه شمری نداشته است.

آتش سوزی در جالوس

آتش سوزی بزرگی در ورزشگاه آزادی در خیابان خمینی در جالوس روی داد که در آن حدود ۱۰ نفر در ورزشگاه قرض، فروشگاه طلا، وسائل تاجایی و لوازم خانگی و قسمت بزرگی از یک مدرسه در آتش سوخت و از بین رفت این آتش سوزی ها در ادامه آتش سوزی - بازارهای شهرهای مختلف کشور می باشد که از تضادهای درونی جناح های مختلف رژیم ناشی شده و بدست عمال این جناحها انجام میگیرد.

خودسوزی در مقابل زندان اوین

سازمان جهانی همبستگی زنان ایرانی با انتشار اعلامیه ای درباریس خیرداد که همسریک زندانی سیاسی خود را در مقابل دفتر زندان اوین در حومه تهران به آتش کشید و قبل از رسیدن به بیمارستان درگذشت. رادیو فرانسه که این خبر را انتشار داد از قول این اعلامیه گفت نامبرده خانم مریم پایدار همسر همبندس جواد احمد زاده بوده است که از ۶ ماه پیش در زندان اوین بسر می برد و در این مدت به وی اجازه داده نشده بود با همسر خود ملاقات نماید.

انتخاب يك تروریست

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در جلسه و ششمین اجلاس سالانه خود در روز دوشنبه ۷ بهمن ماه در اقدام حیرت آور، سیروس ناصری سفیر جنایتکار و تروریست رژیم خمینی در سازمان ملل متحد در زانو رابه عنوان معاون رئیس کمیسیون انتخاب نمود. سیروس ناصری یکی از صهرهای تروریستی رژیم در خارج از کشور است که در این رابطه مسئولیت های صهی رابعمهه دارد وی که با تردستی و با استفاده از نبود کاندیداهای دیگر در آخر وقت از طرف " گروه آسیا " پیشنهاد شده بود طبق روال مرسوم این نشست ها به عنوان یکی از دو معاون رئیس کمیسیون، آقای " پولسالب " از مجارستان، انتخاب شد. انتخاب ناصری تروریست به عنوان معاون حقوق بشر مخالفت های زیادی را برانگیخت. در این رابطه یکی از انجمن های بین المللی انتخاب نماینده کشوری را که به خاطر تجاوزش به حقوق بشر تحت مراقبت یک گزارشگر ویژه کمیسیون (رینالدو گالیندو پل) است و در زانو از

در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

اسفند ماه

داخلی :
۱۲۹۹/۱۲/۳ - انجام کودتای امپریالیستی - انگلیسی توسط رضا خان با همکاری سید ضیاالدین طباطبائی
۱۳۲۹/۱۲/۲۹ - روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور
۱۳۳۱/۱۲/۹ - شکست کودتای دربار شاه و نوکرانش آخوند بهبهانی، آخوند کاشانی و دکتر بقاش علیه دولت ملی دکتر مصدق.
۱۳۳۲/۱۲/۲۲ - به آتش کشیدن کریم پور شیرازی، روزنامه نگار متروقی توسط مزدوران رژیم محمد رضا شاه
۱۳۳۴/۱۲/۷ - درگذشت علی اکبر دهخدا، نویسنده و ادیب بزرگ و سولف دهخدا
۱۳۳۷/۱۲/۱۷ - امضا قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا توسط رژیم محمد رضا شاه
۱۳۳۲/۱۲/۱۴ - درگذشت دکتر محمد مصدق
۱۳۳۸/۱۲/۱۱ - تظاهرات مردم تهران در رابطه با اتوبوس رانی
۱۳۵۴/۱۲/۳ - شهادت مجاهد خلق، سرگرد محمسی
افسر انقلابی ارتش
۱۳۵۷/۱۲/۲۸ - یورش به مردم سندج و آغاز سرکوب خشم مردم کرمانستان توسط رژیم خمینی

در صفحه ۶



منتشر شد

سرسین
گزارش پانزده سووس
گزارش نهمی مسله دوم کمیته ویل
ولفتها و پروژیم در مورد گزارش مسله دوم کمیته ویل
گزارش علو بین المللی (۱۹۹۰ - ۱۹۸۷)
ولفتها و بین المللی در برابر نقض حقوق بشر در ایران
بیانیه کمیته زنان پارلمان و شخصیت های جهانی
انبار علی علامه، بانک، مار، ۱۹۸۰

در روز دوم انتشاره مسله شماره ۱۳۳۰

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

امریکا
HOVE, YAT
P.O BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

دانمارک
HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 11B
2200 - DANMARK

آلمان غربی
P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KOLN 1
W.GERMANY



برای فتح قله های
پر صلابت عشق ؛
عشق به آزادی ؛
عشق به مردم ؛
عشق به برابری ؛
یامرگ یاسروزی

شهادت فدایی
اسفند ماه

کمیته سازمان
۱۳ نفر مهاجم
بلسگاه سیاهکل
تیر باران شدند
نظامیان ترکیه
ت خورد
کمان - ۲۶ اسفند ۴۴

در صفحه ۱۱

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میباید مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه وار بر کرده و قبض رسید آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد کیش
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب